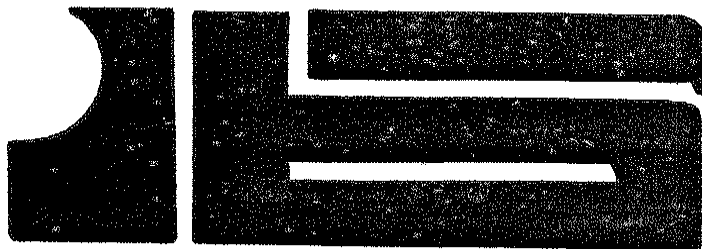


مرگ بر امپریالیسم
امریکا
دشمن اصلی خلقها



کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

چهارشنبه ۲۲ اسفند ۱۳۵۸

۱۶ صفحه - قیمت ۲۰ ریال

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

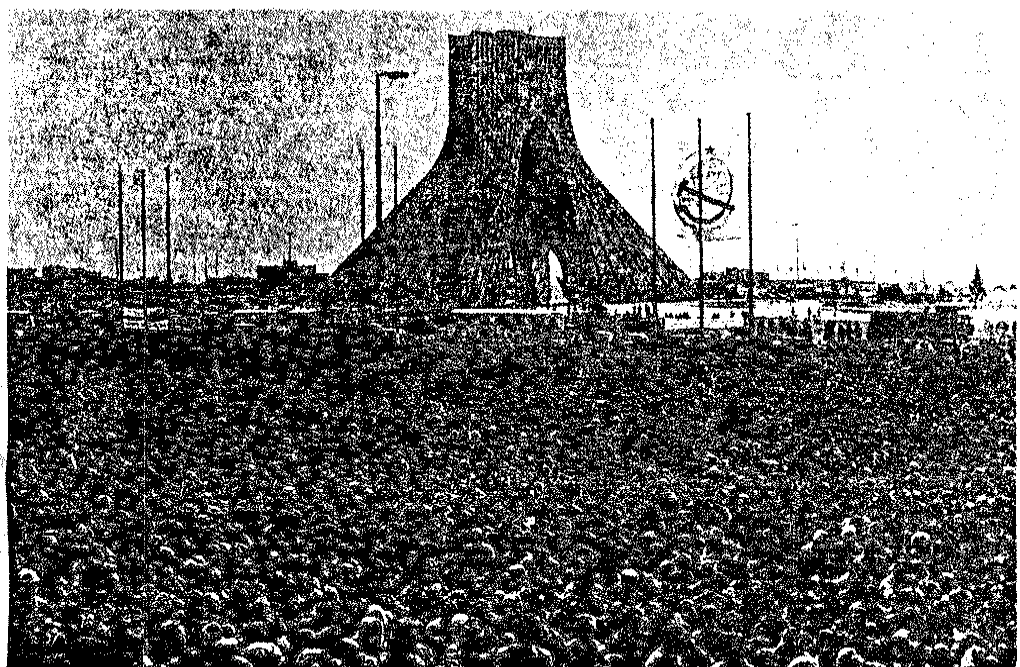
سال دوم - شماره ۵۰

دریای جمعیت در میدان آزادی زیر پرچم خونین فدائیان خلق

در صفحه ۸

● انبوه بیسابقه جمعیت

تجلی شکوهمند گسترش پیوند فدائیان با خلق بود



شورای انقلاب

رو در روی دانشجویان خط امام
و نیروهای مترفعی

در هفته گذشته یکبار دیگر مسئله گروگانهای امریکائی به عمدهترین مسئله سیاسی در سطح کشور تبدیل شد. از آنجاکه تحول روابط ایران و امریکا و مسئله گروگانها و حق مردم ایران در بازگرداندن شاه و ثروتهای به غارت رفته مردم به ایران در راس مسائل سیاسی در سطح کشور و حتی جهان است، توجه دائمی به این مسئله و ارزیابی مداوم مواضع نیروهای مختلف نسبت به آن از مهمترین وظایفی است که برعهده ما قرار دارد.

اکنون "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" سخت مسودتهاحم قرار گرفتهاند، مرتجعین طرفدار سازش با امریکا بر سر تحویل شاه و عادی شدن روابط بطور کامل در برابر دانشجویان صف بستهاند.

مسئله گروگانها وقتی دوباره حاد شد که کمیسیونی که برای تحقیق پیرامون جنایات شاه به ایران آمده بود، درخواست ملاقات با گروگانها را نمود. "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" در مقابل اعلام کردند به شرطی کمیسیون نمیتواند با گروگانها ملاقات کند که قبلا نظر خود را پیرامون اسنادی که در اختیار وی گذاشته می شود اعلام نماید "شورای انقلاب" می گفت اول باید کمیسیون با گروگانها ملاقات کند بعدا نظر خود را اعلام کند. دانشجویان این نظر را نپذیرفتند. بقیه در صفحه ۲

دو مرحله ای کردن انتخابات

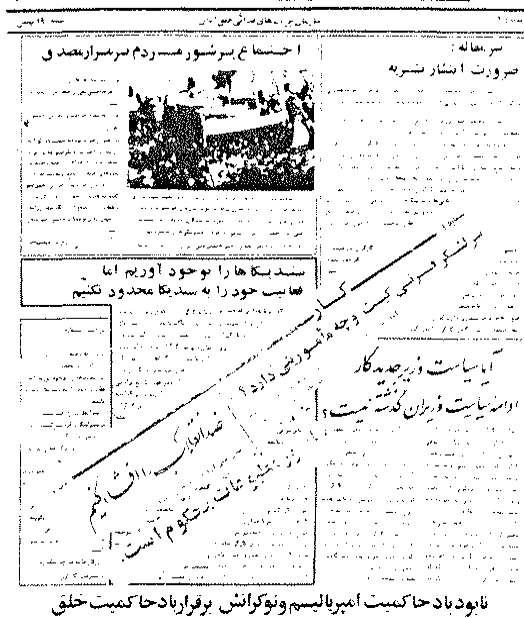
حیله جدیدی برای خنثی کردن اختلافات جناحهای حاکم
و حذف کاندیداهای انقلابی

آگاهی توده های مردم در جریان مبارزات ضد امپریالیستی ماههای اخیر به نحو بارزی رشد یافته است. مردم در جریان مبارزات انتخاباتی با شعارها و چهره های متفاوت و متضادی بقیه در صفحه ۴

کار دو ساله شد!

یک سال از انتشار اولین شماره "کار" می گذرد. یک ساله که هر روزش یک سال تحریر بود. یک سال در سالی که هر روزش یک سال می داد. ۱۹ اسفند سال گذشته بود. یک ماه از قیام بقیه در صفحه ۲

کارگران و زحمتکشان متحد شوید



در این شماره:

روز جهانی زن را گرامی بداریم

در صفحه ۱۶

بنی صدر عاملین ترور توماس و همزمان را می شناسد

در صفحه ۱۲

پیروزی خلق زیمبابوه

در صفحه ۱۴

درباره طرح طبقه بندی مشاغل

در صفحه ۳

سخنان نمایندگان سازمان در کنفرانس مطبوعاتی ۱۳ اسفند

در صفحه ۱۱

در انتخابات مجلس از کاندیداهای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پشتیبانی کنیم

کار دو ساله شد!

بقیه از صفحه ۱

سناد ارتش ملی اسلامی چه مخاطراتی برای انقلاب ایران دارد؟
افشاگری "کار" همه چیا سؤال برانگیخته بود. اکثر مردم هنوز تردید داشتند، امکان ندارد، بازرگانان نخست وزیر منتخب امام است. امام هم که اشتباه نمی کند.

دومین شماره "کار" سندی تازه از خیانت سرلشگر قره‌نی "را افشامی" کرد.

سومین شماره نشریه "کار" همراه با اسناد تازه‌ای از خیانت‌های قره‌نی در دست انتشار بود که قره‌نی برکنار شد. همه حامی گفتند "کار" قره‌نی را بی‌کار کرد. عصر همان روز روزنامه اطلاعات نوشت "روزنامه کار، ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران باعث برکناری قره‌نی شد."

و این از اولین پیروزی‌های "کار" بود.

طی این یک سال "کار" با تمام نیرو کوشید تا آنجا که می‌تواند حقایق را بی‌پرده مردم توضیح دهد و دوستان و دشمنان آنها را به ایشان بشناساند. کار طی این مدت بی‌وقفه کوشیده است که با صداقت انقلابی و با امانت‌داری خویش نشان دهد که حقیقت چیست و چگونه جعل‌نامه‌های حکومتی می‌کوشند.

آن‌را از مردم پنهان دارند. "کار" در عرض یک سال موفق شد به قوی‌ترین تریبون افشاگری برای مردم و به خاطر مصالح مردم تبدیل شود. کار در عرض این یک سال دریافت که وظیفه او چیست و چگونه و با کدامین زبان باید به وظایف انقلابی خود عمل نماید. "کار" نشان داد که از سانسور و توقیف و تهدید و فشار بیمی ندارد و هیچ نیروی قادر نیست زبان او را از گفتن حقایق بازیندد.

"کار" زمانی که امکانات اجازه می‌داد در چاپخانه‌های بزرگ وقتی فشارها از جانب خدمتگزاران امپریالیسم و سرمایه‌داری تشدید می‌شد در چاپخانه‌های کوچک‌تر و حتی در چاپخانه‌های خانگی چاپ می‌شد و گاه می‌رسید که از هر نسخه آن چند صد نسخه زیراکس تهیه می‌شد. در ایام تاریک مهر و آبان هر هفته صدها هزار کار به صورت پلای کپی توسط صدها هسته‌هوادار در سراسر ایران چاپ و توزیع می‌شد. این هسته‌های هوادار به راستی به دشمنان آگاهی

شکوه‌مند می‌گذشت که اولین نشریه هفتگی سازمان را در ۵۰ هزار نسخه منتشر کردیم. حالا "کار" در صدها هزار نسخه در سراسر میهن پخش می‌شود، به دو زبان آلمانی و انگلیسی ترجمه می‌گردد و تجربیات انقلاب ما را به گوش دیگر کشورها می‌رساند.

حتی آن روزها و ماه‌هایی که اختناق دوباره داشت به ایران بازمی‌گشت، زمانی که حمله به مراکز و دفاتر سازمان‌های انقلابی را آغاز کردند و آتشی را به شدت زیر صرجه گرفتند، "کار" به دست پرتوان فدائیان رزم‌نمده توی کوچه و بازار و خانه‌خانه می‌گشت. توی کارخانه‌ها، در داخل روستاها، دانشگاه‌ها و مدارس نفوذ می‌کرد. صدای ما را به گوش مردم قهرمان ایران می‌رساند و پیوندهای ما را با کارگران، دهقانان، زحمتکش‌ها و همه مردم مبارز میهن تقویت می‌کرد و بیش از پیش استحکام می‌بخشید. "کار" به دست فدائیان جان باخته در میان مردم دست به دست می‌شد و پیوند بین فدائی خلق و خلق پیوند بین توده‌های خلق را مستحکم‌تر و محکم‌تر می‌ساخت.

روزی که کار را شروع کردیم دولت موقت بازرگان ناره مصدر کار شده بود.

وظیفه کار مشخص نبود. افشاگری، افشاگری و باز هم افشاگری. مردم باید حقایق را بدانند. مردم باید آگاه باشند. مردم باید دوستان و دشمنان خود را بشناسند.

اولین سرمقاله کار با این جملات آغاز شد:

"اینک که خلق ما متحد و یکپارچه پس از بردی خونین رژیم سلطنتی را واژگون کرده و در جهت نابودی کامل ارتجاع و سلطه امپریالیسم پیش می‌رود... وظیفه همه نیروهای انقلابی است که دستاوردهای انقلاب را حفظ کنند"

"کار" بر این مبنای حرکت کرد. بزرگترین خطر برای انقلاب ایران همان ارتش آریامهری بود که توسط فرماندهان امریکائی شاه اداره می‌شد. مانع از اولین افشاگری راز قره‌نی آغاز کردیم.

"قره‌نی کیست و چه ماوریتی دارد؟" این تیتیر اولین مقاله افشاگرانه "کار" بود و نشان می‌داد که انتصاب سرلشکر قره‌نی همکار کهنه کار امپریالیسم امریکا به ریاست

شورای انقلاب رو در روی...

بقیه از صفحه ۱

روز شنبه (۱۸ اسفند) به محض انتشار این خبر مردم به حمایت از دانشجویان در جلوی مرکز جاسوسی اجتماع کردند و نقشه‌های سازشکارانه "شورای انقلاب" و توطئه‌هایی را که برای سازش با امریکا بر سر تحویل شاه، در جریان بود، محکوم کردند. جلوی سفارت و در خیابان‌های اطراف هزاران دانشجو و دانش‌آموز پیشگام پوسترها و پلاکاردهایی را با مضمون حمایت از تداوم مبارزات ضد امپریالیستی و محکوم کردن "شورای انقلاب" در دست داشتند.

قطب‌زاده مدعی شد که آیت‌الله خمینی هم نظر او را دارد. دفتر امام اعلام کرد که "امام در این زمینه ساکت است" اما روز بعد آیت‌الله خمینی پیامی فرستاد که ضمن دعوت مردم به دفاع و پشتیبانی از "شورای انقلاب"، نظر دانشجویان را در مورد کار کمیسیون پذیرفت. روز بعد کمیسیون ایران را ترک و اعلام کرد که شرایط برای اعلام نظری فراهم نیست.

این جریان‌ها حقایق بیشتری را برای مردم میهن ما توضیح داد. مردم دوستان و دشمنان خود را بهتر شناختند. اعتراض همگانی و ابراز تنفر از نماینده "شورای انقلاب"، صادق قطب‌زاده، توده‌های وسیع‌تری را به ماهیت "شورای انقلاب" آگاه کرد.

دانشجویان برنامه و اهداف کمیسیون تحقیق را تابع نظر کارتر، کورت‌والدهایم و بر اساس مصالح امریکائی می‌دانستند. لایوشانی این حقایق از جانب "شورای انقلاب" یکبار دیگر بر سازشکارانه بودن سیاست‌های "شورای انقلاب" مهر تأیید زد. این وقایع روزهای اخیر مه‌ساز شده بود. در روز ۱۰ دی ماه ۵۸ ما طی بیانیه‌ای گفتیم "شورای انقلاب" قطب‌زاده را فرستاده است که افشاگری دانشجویان را کنترل کند تا بتوانند به حیات این نیروی ضد امپریالیست پایان دهند. صحت این پیش‌بینی امروز به نحو شایان توجهی به ثبوت رسیده است. اگر حمایت مردم پشت سر دانشجویان نبود، "شورای انقلاب" حتی برای یک ساعت هم مبارزات دانشجویان را تحمل نمی‌کرد و وقایع روزهای اخیر به مردم آموخت که چه کسانی واقعا مدافع مبارزه ضد امپریالیستی هستند!

روز اول که مرکز جاسوسی اشغال شد همه از دانشجویان پشتیبانی کردند و در این میان همین قطب‌زاده گوی سبقت را در مجیزگوئی از دانشجویان از دیگران ربوده بود بهشتی و رفسنجانی و کنی و امثال آنها نیز اعلام پشتیبانی می‌کردند. اما امروز تنها نیروهای از ادامه افشاگری‌ها، از ایستادگی برای به تسلیم و ادا داشتن امریکا و تحویل گرفتن شاه و اموال غارت شده مردم ایران حمایت می‌کنند که واقعا ضد امپریالیست باشند. لیبرال‌های "آزادخواه"! اینک یک لحظه هم از تلاش برای خلاص شدن از دست این تریبون و آزاد کردن گروگان‌ها غافل نمی‌مانند. امروز تنها سازمان ما و معدودی از گروه‌های چپ همراه با برخی از جریان‌های مذهبی مترقی و در راس آنها "جنبش مسلمانان مبارز" همچنان همان سیاست‌اولیه خود را تعقیب می‌کنند.

در این میان سازمان مجاهدین خلق ایران هم در میان ناباوری نیروهای سیاسی پای خود را از مبارزه‌های کهنه پیرامون پس گرفتن شاه و اموال غارت شده و افشای دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکا در جریان است. کنار کشیده است. نه این سازمان بلکه جریان‌های دانشجویی وابسته به این سازمان نیز در برابر تمام جریان‌های هفت‌هفته اخیر سفارت سکوت کردند.

مجاهدین خلق این مبارزات را به عنوان مبارزه ضد امپریالیستی باور نمی‌کنند. آنها که سابقا برخورد و تحلیل درستی از اشغال سفارت داشتند، اکنون پای خود را کنار کشیده‌اند و به هیچ وجه از دانشجویان حمایت نمی‌کنند. به اعتقاد ما سیاست غالب بر نیروئی که تحت عنوان "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" سفارت را در اختیار خود دارد، یک سیاست ضد امپریالیستی است. از این رو ما ادامه افشاگری‌های این دانشجویان و تلاش آنان را برای شناساندن فعالیت سیاسی و جاسوسی امریکا در ایران در مجموع به سود جنبش ضد امپریالیستی و رهائی بخش مردم ایران می‌شناسیم و حمایت از آنان را در برابر جریان‌های لیبرالی، به سود خلق و به سود جریان‌های انقلابی می‌شناسیم.

و شکل توده‌ها آموختند که حربه سرکوب آنان حقیرتر و کندتر از آن است که بتواند زبان تیز و برابری "کار" را از گفتن بازدارد. این هسته‌ها نشان دادند که تا وقتی این زبان از پشتیبانی وسیع توده‌ها برخوردار است، امپریالیسم و سرمایه‌داری هرگز قادر به بستن زبان او نخواهند بود.

اکنون "کار" دومین سال انتشار خود را آغاز می‌کند. صف‌های طولی که روزهای پنجشنبه در گوشه و کنار تهران و روزهای بعد در سایر شهرهای تهریه "کار" بسته می‌شود نشانه مسئولیت بسیار سنگینی است که بر دوش "کار" و تحریریه آن است.

اکنون زمان آن است که "کار" بیش از پیش بر میلیون‌ها فکرواندیشه‌ای تکیه کند که دست خویش را برای گرفتن و بردن "کار" به درون خانه و کارخانه و مدرسه و دانشگاه دراز کرده است. "کار" امروز زبان مردم است. این زبان به پشتوانه حمایت توده‌ای روبه گسترش، هر روز تیزتر و برنده‌تر با قدرتی کوبنده‌تر آنچه را که بر عهده او است پاسخ می‌گوید.

نشریه "کار" امروز به عنوان مهمترین ارگان سازمان‌دهنده جنبش کارگری و جنبش کمونیستی ایران، نقشی بسیار عظیم به عهده دارد. "کار" این وظیفه را از طریق افشاگری تحلیل‌ها و تفسیرهای سیاسی و انتشار اخبار جنبش توده‌ای و گزارشات کارگری و دهقانی انجام می‌دهد.

کارنامه یک‌ساله "کار" آنچه گفته شد، محدود نمی‌شود ما وظیفه انقلابی خود میدانیم زندگی یک‌ساله "کار" را از زوایای مختلف مورد ارزیابی قرار دهیم. ما وظیفه خود می‌دانیم در عین حال که نقش واقعی خود را در تداوم انقلاب مورد بررسی قرار می‌دهیم، با صداقت و صراحت کامل اشتباهات خود را بر شماریم، نکات مثبت و منفی کار خود را بشناسیم. با تأکید به اینکه انتقادات و پیشنهادات شما در این یک سال بهترین رهنمودهای ما بوده است. ما هر هفته صدها نامه از طرف شما دریافت می‌کنیم و در تصحیح اشتباهات خود به کار می‌بندیم

تحریریه کار

درباره طرح طبقه بندی مشاغل

از آنجاکه طرح طبقه بندی مشاغل از طرف وزارت کار در دست تهیه است و منبای تنظیم این طرح نیز طرح صدکارگری سال ۵۲ می باشد و از طرفی این طرح در شرایطی تنظیم می شود که کارگران، که در این خصوص بیش از همه ذینفعند از کم و کیف آن اطلاع درستی ندارند و مهمتر از آن این که، مایلند

قرارداد و سرمایه دار ناگزیر است به جای توسل به این عوامل اجتماعی، ایجاد تبعیض در کارگران به عوامل تکنیکی کار (مهارت فنی، تجربه و تخصص...) که گروه های مختلف کارگران را از هم متمایز می کند. متوسل

*** هدف طبقه سرمایه دار از طبقه بندی مشاغل این است که: اولاً از نظر اقتصادی بتواند به نحوی تقسیم کار را کنترل نماید که بیشترین سود از این نوع طبقه بندی عایدش می شود.**

.....

شود. طرح طبقه بندی تدوین شده به وسیله سرمایه داران، دردوران جدید از این لحاظ عمدتاً بر منبای تفاوت استعدادها و قابلیت تکنیکی کار و میزان سوددهی ناشی از آن است. و اما اگر کارگران با چه دیدی به طبقه بندی مشاغل می نگرند؟ کارگران در مراحل ابتدایی مبارزاتشان هنوز این طبقه بندی را طبقه بندی درون کارگران می بینند و منافع اقتصادی و اجتماعی را در درون طبقه خود مورد چون و چرا قرار می دهند. همین طبقه خود و طبقه سرمایه دار. اگر ارزش کل تولید شده توسط کارگران را به ارزش لازم و ارزش اضافی تقسیم کنیم، کارگران در مراحل اولیه مبارزاتشان فکری کنند که تقسیم عادلانه ارزش لازم وضع آنها را بهبود بخشد و آنها را از فقر و نکبت رهایی خواهد

بدانند که این طرح چگونه طراحی است و آیا منافع آنها را تامین می کند یا نه. لازم می دانیم در این باره مطالبی را روشن نمائیم. طرح طبقه بندی مشاغل را قبل از هر چیز باید از دودیدگاه (طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار) مشخص کرد. هدف طبقه سرمایه دار از طبقه بندی مشاغل این است که اولاً از نظر اقتصادی بتواند به نحوی تقسیم کار را کنترل نماید که بیشترین سود از این نوع طبقه بندی عایدش شود (که ما چگونه این نحوه سود بری را در این مقاله توضیح خواهیم داد) ثانیاً از نظر سیاسی، سرمایه دار سعی دارد طبقه بندی مشاغل را طوری بنماید که انگار طبقه کارگر خود لزوماً به طبقات متفاوتی با منافع متمایز از هم منقسم می شود. سرمایه دار در شرایط ناآگاهی کارگران

*** ... و ثانیاً از نظر سیاسی چنین وانمود کند که انگار طبقه کارگر خود لزوماً به طبقات متفاوتی با منافع متمایز از هم منقسم می شود.**

بخشید. در صورتی که می دانیم که عامل اصلی فقر و تنگدستی کارگران از این مسئله ناشی می شود که سهم مهمی از ارزش تولید شده توسط کارگران به شکل ارزش اضافی و سود به وسیله سرمایه داران به یغما برده می شود. کارگران در چنین وضعیتی هنوز مشغول به خود و در کشمکش با خود هستند، ولی

می توانند این بهره گیری سیاسی را با دامن زدن به اختلافات مذهبی، قومی محلی، نژادی و یا ملی بین کارگران مختلف بنمایند. ولی هر چه مبارزه اجتماعی کارگران ارتقاء می یابد کارگران آگاهانه تر درمی یابند که به طبقه اجتماعی واحدی تعلق دارند که ورای منافع تنگ نظرانه و محدود قومی، محلی، نژادی و یا حتی ملی

بودند که بر منبای آن حقوق یک تراشکار، مکانیک یا جوشکار در همه کارخانجات یکسان باشد. نا کارگران موظف باشند که در یکجا بمانند و کار کنند. سرمایه داران به ضوابطی احتیاج داشتند که بر عرضه نیروی کار کنترل شان را اعمال کند.

از طرفی کارگران نیز خواستار آن بودند که ارزش نیروی کارشان با معیارهای مشخصی سنجیده شود و هر

*** عامل اصلی فقر و تنگدستی کارگران در این است که سهم مهمی از ارزش تولید شده توسط کارگران، به شکل ارزش اضافی و سود به وسیله سرمایه داران به یغما برده می شود.**

سال به واسطه افزایش مهارت و تجربه شان، ارزش کارشان مورد تجدید نظر قرار گیرد و علاوه بر آن حق کسبی ها و استثنائات موجود بین کارگران از بین رفته و ارزش کارافراد بر حسب مقدار کار و نوع کارشان مورد ارزیابی قرار گیرد. کارگران نیز به نوبه خود می خواستند که آینده شغلی و درآمد خود را از پیش ترسیم نمایند و بدانند که ترقی شغلی و درآمدشان چه وضعیتی خواهد داشت.

بدین ترتیب در سال ۵۲ یک موسسه هلندی میلیونها دلار گرفت تا طرح طبقه بندی مشاغل را در ایران تهیه و تنظیم کند. ساختمان کلی طرحی که در این سال ارائه شد و به وسیله دولت به تصویب رسید به قرار زیر بود:

بر اساس طرح طبقه بندی مشاغل لازم بود که کلیه مشاغل موجود در کارگاهها بر حسب نوع کار، پیچیدگی کار، دقت، سختی کار و مهارت های لازم برای انجام آن و معیارهایی از این قبیل سنجیده شود و مشاغلی که در مجموع امتیازات خود در یک رده قرار می گیرند، در جدول طبقه بندی از گروه ها و پایه های یکسان برخوردار باشند و سپس دستمزد کارگران بر حسب نوع شغل و درجه تخصصی افراد از این جدول

در ارزش ناآگاهی وسطی و سوسیالیستی شان به تدریج درمی یابند که همه کارگران منافع اجتماعی و طبقاتی واحدی دارند و باید عدالت اجتماعی طی مبارزه طبقاتی با طبقه سرمایه دار تحقق یابد. صرف نظر از جنبه اجتماعی و طبقاتی این دودیدگاه آنچه که بطور مشخص در رابطه با طرح طبقه بندی مشاغل مبنای و ملاک قرار می گیرد، جنبه تکنیکی کار (مهارت، تجربه و...) و تفاوت قابلیت های کارگران در کار است. ما جوانب مختلف این مسئله را در چارچوب ضوابطی که قوانین سرمایه داری طرح می کنند و طرح و تطبیق آن با شرایط ایران را مورد بررسی قرار می دهیم.

از اواخر سال های ۴۰ کارخانجات مونتاژ همچون فارچ روئیدند. کارخانجات جدید التاسیس که با کمبود کارگر ماهر در جامعه مواجه شدند برای جذب کارگران ماهر کارخانجات قدیمی حقوق و امتیازات و شرایط بهتری برای کارگران فراهم می کردند تا از این طریق کارگران ماهر را جذب کنند. سیاست اقتصادی دولت گذشته که در جهت تشدید وابستگی و غارت کشور بود موجب شد که پروژه های پرزرق و برق و زائد در کشور توسعه دهد. پروژه های اتمی که باعث جذب میلیارد ها ثروت مملکت و جذب ماهرترین کارگران و کارشناسان شد خود به برهم زدن رابطه عرضه و تقاضا در بازار کار منجر شد. برنامه ها و سیاست های اقتصادی رژیم گذشته نه بر اساس نیازهای جامعه؛ بلکه بر منبای رفیع نیازهای ممالک امپریالیستی و در جهت به تاخیر انداختن بحران های امپریالیستی قرار داشت. چنین هر چه و مرجسی در بازار کار سبب شد که رقابت های بین سرمایه داران برای جذب نیروی انسانی ماهر تشدید شود که خود سبب افزایش دستمزدها می گردید. سرمایه داران برای جلوگیری از این وضعیت که به نفع آنها نبود در صدد ایجاد ضابطه ای بودند که رقابت بین آنها به نفع کارگران تمام نشود. آنها خواهان ضوابطی

تعیین گردد و سالانه نسبت به مهارت های آن تجدید نظر به عمل آید. طرح کلی جدول به صورت زیر است.

بطور مثال ممکن است شغل پرسکاری و جوشکاری در گروه ۴ قرار گیرند و مونتاژ کاری و رنگ پاشی در گروه ۳ و بطوری که گروه های پایینتری متعلق به مشاغل ساده تر و گروه های بالاتر متعلق به مشاغل پیچیده تر است. در هر گروه هم پایه های مختلف قرار می گیرد که دستمزد هر پایه به نسبتی مشخص از پایه قبلی و بعدی خود فاصله دارد. بطوری که پایه های بالاتر متعلق به دستمزدهای بالاتر است.

این جدول یکبار تنظیم می گردد و چون دستمزد پایه ۱ گروه ۱ هر سال توسط وزارت کار تعیین می شود. لذا اعداد دیگر جدول هم با حفظ نسبت های قبلی، اعداد جدیدی را تشکیل می دهند که این اختلال مربوط به تعدیل هزینه زندگی می گردد. در جدول اعداد مشابه در گروه های مختلف وجود دارد بدین صورت که مثلاً دستمزد گروه ۲ پایه ۵ ممکن است با دستمزد گروه ۳ پایه ۳ برابر باشد. بطوری که کوچکترین عدد جدول مربوط به گروه ۱ پایه ۱ و بزرگترین عدد مربوط به بالاترین گروه و بالاترین پایه می باشد. بطور معمول نسبت هر عددی با عدد ماقبل خود ۳-۴ درصد می باشد.

طبق طرح در صورتی که مهارت و تخصص و کارایی کارگری تغییر نکند و در یک شرایط عادی به کار بپردازد هیچگاه گروه و پایه شغلی اش عوض نمی شود و تغییر در دستمزد سالانه او فقط مربوط به تعدیل هزینه زندگی می گردد. در صورتی که مهارت های کارگری ارتقاء یافته باشد ممکن است یک پایه یا دو پایه و حداکثر سه پایه به دستمزد او اضافه شود یعنی حدوداً ۱۲ تا حداکثر ۱۶ درصد دستمزد.

در شماره آینده چگونگی پیاده شدن این طرح در کارگاهها اشکالات اساسی این طرح در وضعیت قبلی و وظیفه کارگران رزمنده و آگاه را در این خصوص توضیح خواهیم داد.

از مبارزات شوراهای دهقانی ترکمن صحرا برای زمین و صلح پشتیبانی کنیم

دو مرحله‌ای کردن انتخابات ...

بقیه از صفحه ۱

مطابق همان روال عادی برگزار می‌کرد. نتیجه انتخابات را از هم اکنون می‌توان حدس زد. انتخابات نشان خواهد داد که تعادل نیروها نسبت به مقطع مجلس خبرگان تفاوت آشکار کرده است. نیروهای پیشرو و سازمان‌های انقلابی به نحو قابل ملاحظه‌ای ترکیب سابق را به سود خود تغییر داده‌اند این بار میلیون‌ها رای به سود کاندیداهای مترقی و انقلابی به صندوق‌ها ریخته خواهد شد اما با دومرحله‌ای کردن انتخابات و دیگر محدودیت‌هایی که وجود دارد، نیروهای انقلابی به نسبت آرائی که به سود آنها به صندوق‌ها ریخته می‌شود، در مجلس نماینده نخواهند داشت و حال آنکه مدافعان طرح دومرحله‌ای قطعاً بیش از نسبت آرائی که به سود آنها

عظیمی کرده‌اند، صف‌ها به سرعت از هم متمایز می‌شوند. در چنین شرایطی است که انتخابات مجلس شورا برگزار می‌شود.

دومرحله‌ای کردن انتخابات حذف کاندیداهای سازمان‌ها در برخی از شهرها متوقف ساختن انتخابات مجلس در سنج، تلاش در جهت لغو انتخابات در سراسر کردستان، حاکم ساختن جو ترور و اختناق در ترکمن صحرا همگی نشانه‌ها برای پی‌حد و حصر "شورای انقلاب" و سایر مقامات رسمی حکومت از رشد فزاینده آگاهی سیاسی توده‌ها و از ورود نمایندگان مورد حمایت مردم به مجلس شورای ملی است.

چرا "شورای انقلاب" طرح دومرحله‌ای کردن انتخابات را که حتی با قانون اساسی نیز مغایر است، به تصویب رسانده است؟ پاسخ به این سؤال روشن

*** انتخابات نشان خواهد داد که تعادل نیروها نسبت به مقطع مجلس خبرگان تفاوت آشکار کرده است این بار میلیون‌ها رای به سود کاندیداهای مترقی و انقلابی به صندوق‌ها ریخته خواهد شد**

صندوق‌ها ریخته می‌شود، به مجلس نماینده خواهند فرستاد و پرواضح است که چنین مجلسی در غیاب نیروهای انقلابی و پیشرو نخواهد توانست از اعتماد مردم برخوردار باشد. چنین مجلسی را مردم از آن خود نخواهند دانست.

است. اگر نیروهای انقلابی تا به این حد از حمایت وسیع توده‌های میلیونی مردم برخوردار نبودند حکومت طرح دومرحله‌ای کردن انتخابات را اختراع نمی‌کرد و هیچ بهانه و مانع دیگری بر سر راه کاندیداهای ما نمی‌تراشید و انتخابات را

آیا شورای کارخانه ری. او. واگ نماینده کارگران است یا کمیته دیو؟!

این شورا با اتکا به نفیود کمیته دیو آنچنان محیط ارعابی در کارخانه ایجاد کرده است که اعتراض هر کارگری را با تهدید به اخراج پاسخ می‌دهد. شورا که از آگاهی و اعتراض روزافزون کارگران درهراس بود، برای جلوگیری از به اصطلاح اختلال در کارخانه، بارده‌فراز کارگران آگاه و مبارز را اخراج کرد. به دنبال این اخراج با وجود اینکه اکثریت کارگران کارخانه خواهان بازگشت کارگران احراجی هستند، هنوز شورا مدبوحانه می‌کوشد تا با جمع کردن امضاء وانمود کند که این خود کارگران هستند که خواهان اخراج یازده نفر بوده‌اند، نه شورای فرمایشی کارخانه.

شورای کارخانه "ری. او. واگ" که در واقع زیر نظر مستقیم "برکاتی" رئیس کمیته دیو اداره می‌شود، از زمان تشکیل تا کنون گامی در جهت منافع کارگران برنداشته و به دفعات ماهیت سازشکارانه و ضد کارگری خود را نشان داده است. این بار نیز شورا در رابطه با مسئله سود ویژه سعی داشت با پراکندن شایعات دروغ، سود واقعی کارخانه را از کارگران پنهان نگهدارد و حاضر نبود که مقدار سود را با حضور کارگران محاسبه نماید و اینطور وانمود می‌کرد که کارخانه کمتر از سال قبل سود داشته و تنها به خاطر خیرخواهی است که ده درصد بیش از سال قبل به کارگران سود می‌پردازد.

زحمتکشان استفاده کنند. اکنون هر لحظه که می‌گذرد توده‌های عظیم تتری از زحمتکشان و روشنفکران از "حزب جمهوری اسلامی" و امثالهم کنده می‌شوند و به سوی نیروهای انقلابی روی می‌آورند، نیروهای سازشکار به شدت تضعیف شده‌اند. در عوض نیروهای انقلابی رشد

وحشت مرگ به سر برند. آنها "حق" دارند، برای جلوگیری از ورود نمایندگان واقعی مردم و تبدیل مجلس به سنگرمذافع سرمایه داری، علیه اراده مردم بسیج شوند و از همه قدرت و موقعیت قانونی و غیرقانونی خود، علیه نیروهای مترقی و علیه منافع طبقه کارگر و هم

که منافع طبقات و اقشار مختلف را بیان می‌کنند، بیش از پیش آشنا شده‌اند و اینک آگاه‌تر از گذشته در انتخابات مجلس شرکت می‌کنند. لیبرال‌ها و تاریکاندیشان که جنبه مدافعان سرمایه داری را تشکیل می‌دهند "حق" دارند از رشد عظیم توده‌ها و صفبندی جدید نیروها در

آیت الله کنی علیه دهقانان فیروزکوه و به نفع امیری فیروزکوهی زمین دار بزرگ حکم صادر می‌کند

هرگونه مذاکره‌ای پیشنهاد کردند و از خود پاسداران دعوت کردند که نهار را در مسجد با آنان بخورند!

پاسداران زارعین را با زور به منزل امیری کشاندند و با تهدید خواستند که زارعین را مجبور کنند به رای کذایی دادگاه فیروزکوه که قبلاً صادر شده بود، گردن نهند

مقاومت دهقانان در مقابل حکم دادگاه سبب شد که پاسداران ۷ تن از آنها را به زندان تهران اعزام دارند و با ایجاد محیط‌ارعباب در منطقه کوشیدند دهقانان را به اجرای حکم دادگاه وادار کنند

دهقانان فیروزکوه، علیرغم فشارها، همچنان بر سر پیمان خود ایستاده‌اند و مطالبات خود را برحق می‌دانند. آنها مصمم‌اند که به مبارزات خود برای تحقق شعار "زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند" ادامه دهند.

کرده و به کاشت مشغولند! دادگاه با میداناری حاج عباس طاهری (داماد نصیری معدوم) و با حمایت بی دریغ آیت‌الله کنی و پسرش، حکم به گرفتن زمین‌ها از دهقانان و سپردن آن به مالک شرعی. یعنی امیری فیروزکوهی می‌دهد دهقانان حکم دادگاه را حکم بیدادگاه خوانده و آنرا ضد دهقانان نامیدند و حاضر به پذیرفتن حکم دادگاه نشدند.

همکاری آیت‌الله کنی و پسرش با امیری فیروزکوهی سبب بسیج پاسداران برای سرکوب کشاورزان به منطقه شد. پاسداران یکی از کشاورزان را در حین کار دستگیر و به زرین دشت بردند. بقیه زارعین که در مسجد نشسته بودند توسط پاسداران محاصره شدند و از آنان خواسته شد که دستجمعی به منزل امیری فیروزکوهی بیایند. زارعین مسجد را برای

زرین دشت یکی از دهان فیروزکوه است. کشاورزان این منطقه که غالباً بی‌زمین‌اند، تصمیم می‌گیرند ۱۰۰۰۰ هکتار از زمین‌های بایری را که امیری فیروزکوهی، شاعر معروف دوره شاه و دوست نزدیک نصیری معدوم، به اصطلاح مالک آن شناخته می‌شود، در اختیار خودگیرند و به زیر کشت برند. امیری فیروزکوهی علاوه بر این زمین‌ها، مالک درخت‌زارهای وسیعی در این منطقه است و در برابر آن انبوهی از دهقانان فقیر و بی‌زمین وجود دارند که روز به روز بیشتر زیر بار گرانی و فشار معیشت خرد می‌شوند.

دهقانان تصمیم خود را به اجرا می‌گذارند و متعاقب آن امیری فیروزکوهی به دادگاه انقلاب اسلامی شکایت می‌برد و اعلام می‌کند: "دهقانان بی‌زمین، زمین‌های مرا که مالک شرعی آن هستم مصادره

مرگ بر امریکا - مرگ بر سازشکار شورای انقلاب با امریکا سازش کرده است و می‌خواهد جاسوس‌های امریکائی را آزاد کند. اجازه ندهید این سازشکاران جاسوسان امریکائی را آزاد کنند. امپریالیسم امریکا باید شاه جنایتکار و تمام ثروت‌های غارت شده مردم ما را به مردم پس بدهد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
شنبه ۱۸ اسفند ماه ۱۳۵۸

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند



دادستانی پذیرفت نمایندگان کارگران در رسیدگی به دارائی های خسروشاهی نظارت داشته باشند

به دنبال گروهان گیسری خسروشاهی سرمایه دار معروف توسط کارگران مبارز کارخانه مینو که شرح آن در "کار" ۴۸ آمد، نماینده دادستانی برای مذاکره با کارگران در روز ۱۳ اسفند به کارخانه می آید. بعد از بحث های طولانی طرح زیر تهیه و قرار می شود پس از توافق کارگران و خسروشاهی این طرح به اجرا گذاشته شود:

۱- آقایان خسروشاهی ها قبول و تعهد نمودند که در مورد مسائل مربوط به خود و خانواده هایشان و کلیه دارائی های متعلقه و همچنین حق الامتيازها در گروه صنعتی مینو، تسلیم نظریات دادستانی کل بوده و حکمیت دادستانی را به هرنحوه دادستانی حکم کند، کاملاً قبول کنند.

۲- خواسته های کارکنان در مورد سود ویژه سال های ۵۷ و ۵۸ و هم چنین عیدی سال ۵۸ مورد بررسی دقیق تر قرار گرفته و در مورد پرداخت سود ویژه بر مبنای حداقل سالی ۴ ماه متوسط آخرین حقوق و عیدی معادل یک ماه، توافق به عمل آید و حتی المقدور پرداخت آن سریعاً انجام شود

۳- آقایان خسروشاهی ها تعهد نمودند که از هرگونه دخالت و کارشکنی در کلیه امور گروه صنعتی مینو (اعم از داخل

و خارج از کشور) خودداری نمایند.

۴- دادستانی کل سرپا نسبت به تعیین مدیران و اداره امور شرکت های گروه صنعتی مینو اقدامات عاجل به عمل آورد.

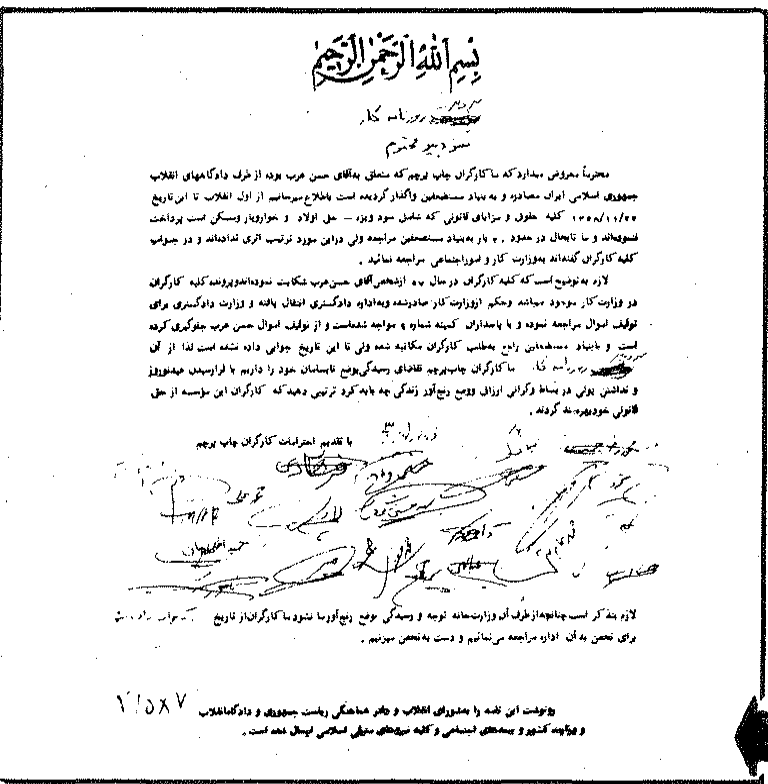
این طرح تا روز ۶ اسفند معوق می ماند. در این روز نماینده دادستان دوباره برای مذاکره با کارگران به کارخانه می آید.

در خاتمه صحبت ها یک موافقت نامه ۱۲ ماده ای علاوه بر قرارداد ۴ ماده ای روز شنبه نوشته می شود. در این متمم خسروشاهی ملزم به امضاء یک سفید گردید ولی این چک به نام دادستانی انقلاب اسلامی می باشد و اگر از این پس در پرداخت عیدی و سود ویژه کارگران تاخیر و یا خلی پیش آید، مسئول دادستانی خواهد بود. ضمناً نمایندگان دادستانی متعهد شدند که در رابطه با مبارزه اخیر هیچ یک از کارگران اخراج، دستگیر و بازداشت نشوند. هم چنین نمایندگان دادستانی قبول کردند که در رسیدگی به اموال و دارائی های خسروشاهی، نمایندگان کارگران شرکت و نظارت داشته باشد.

چرا حقوق و مزایای این کارگران را پرداخت نمی کنید

نامه زیر از طرف گروهی از کارگران چاپ پرچم به روزنامه کار ارسال شده است. آنچنانکه نوشته اند از اول انقلاب تا ۲۲ بهمن ۵۸ حقوق و مزایای قانونی این کارگران علی رغم مراجعت مکررشان پرداخت نشده است و همواره با بی توجهی مقامات و دستگاه های دولتی روی سر بوده اند.

سازمان ما وظیفه خود و همه نیروهای انقلابی مدافع طبقه کارگر می داند که از خواست کارگران و زحمتکشان دفاع کرده و در جهت تحقق خواسته های آنان پیگیرانه تلاش کند.



کالاهای انبارهای گمرک

به مردم ایران تعلق دارد

مقدس می شمرد، و "شورای انقلاب" مدافع منافع طبقه سرمایه دار ایران است، باید همچنان در انبارهای گمرک با پول مردم محافظت شود و از هرگونه "تعرض" مصون بماند.

هزاران کارگر و زحمتکش ایرانی با خانواده خود، روزها و شبها گرسنه سر بر بالین می گذارند چون "شورای انقلاب" به سرمایه داران فراری قول و اطمینان داده است که با خیال آسوده به "وطن" بازگردند و بساط غارتگری خود را بگسترانند. چون "شورای انقلاب" خود را موظف می شناسد که از منافع آنان دفاع و پاسداری کند. چه کسانی مدافع مردم و "مستضعفین" هستند. از بازرگانان، بهشتی ها، یزدی ها، قطب زاده ها، چمران ها، رفسنجانی ها، خامنه ای ها، بیرسید، می گویند "شورای انقلاب" که ما اعضای آن هستیم!

یک قلم از ثروت هائی که در انبارهای گمرک خوابیده است که قیمت آنها در حدود ۲۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۲۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان است. یکی از صدها ماشین دار و دسته خاندان پهلوی که در گمرک وجود دارد متعلق به اشرف است که

قیمت آن معادل ۶ میلیون تومان است. گویا "شورای انقلاب" بعد از یکسال که از قیام خونین مردم می گذرد، منتظر آرام شدن اوضاع است تا این ماشین ها را به آنها برگرداند.

صدها و شاید هزاران تراکتور و وسایل کشاورزی در انبارها زنگ خورده و از کار افتاده است. در حالی که شوره های دهقانان گنبد، خراسان، دهقانان شمال و جنوب میهن به علت در اختیار نداشتن وسایل و ماشین آلات کشاورزی برای کشت و کار در مضیفه اند، تنها قیمت یک دستگاه ماشین اشرف پهلوی که در انبارهای گمرک جمهوری اسلامی است، معادل حقوق ۷۰۰۰ کارگر ایرانی است! و اگر خانواده هر کارگر را ۵ نفر به حساب آوریم، هزینه معاش ۳۵۰۰۰ کارگر در یکماه برای خریدن این ماشین صرف شده است. آنچه که در انبارهای گمرک جمهوری اسلامی در حال پوسدن است، به مردم ایران تعلق دارد. این کالاها باید به سود زحمتکشان صادره شود و در جهت بهبود شرایط زندگی آنان مورد استفاده قرار گیرد.

بازار از کالا خالیست، اما انبارهای گمرک، گورستان کالاهای مصرفی شده است. صدها صندوق دارو پنیسر، روغن و مواد غذایی در انبارهای گمرک فاسد شده اند. (کیمیا یکشنبه ۱۹ اسفند ۵۸)

صدها صندوق دارو، پنیسر، روغن و مواد غذایی در انبارهای گمرک فاسد شده اند و این در حالیست که هر روز صف خریداران مواد غذایی طولی تر می شود. میلیونها زحمتکش ایرانی به دارو نیاز دارند و هزاران تن از آنان در خطر مرگند، گرسنگی هر روز دامن زحمتکشان بیشتری را می گیرد و کمبود مواد غذایی باعث بالا رفتن هرچه بیشتر قیمت کالاها می شود تا حیب سرمایه داران ریز و درشت به قیمت افلاس کارگران و زحمتکشان هر روز برتر از روز دیگر باشد.

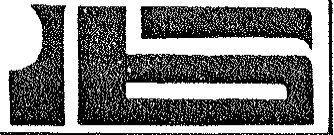
این سیاست چه کسانی است؟ چرا میلیاردها ثروتی که به مردم باید تعلق داشته باشد، در انبارها می پوسد؟ چه منطقی حکم کرده است که سیلزدگان خوزستان و زلزله زدگان خراسان بدون دارو بمانند ولی صدها صندوق دارو فلان سرمایه دار و تاجر ایرانی برای اینکه "قانون اساسی" مجلس خبرگان، "مالکیت" آنها را مشروع و

سیاری از اینگونه اجحافات که به وسیله مسئولین اعمال می شد، طی ماههای اخیر، کارگران مبارز و آگاه را بر آن داشت تا به مقابله با چنین مدیران سرسپرده ای برخیزند. کارگران طی اجتماعتی در روز ۶ اسفند ۵۸ خواستار اخراج "زرین خامه" رئیس حسابداری کشتارگاه شدند که با مقاومت مقامات مسئول مواجه شد ولی پیگیری واتحاد کارگران، "زرین خامه" را وادار به استعفا کرد.

در این اجتماعت کارگران خواستار تشکیل شورای کشتارگاه شدند.

کارگران کشتارگاه خواهان تشکیل شورا هستند

در روزهای پس از قیام آقای "زرین خامه" به کارگران کشتارگاه معرفی شد، با تاکید بر این مسئله که ایشان تنهایی خاطر انقلاب و به صورت رایگان کار می کنند و هیچگونه حقوقی نیز دریافت نخواهند کرد و پس از مدتی به "مدیر عامل انقلابی" ابلاغ شد که صدها هزار تومان مابه التفاوت و هفت هزار تومان حقوق خود را علاوه بر حقوق بازنشستگی اش را دریافت کند. در مقابل، به منظور کمک به انقلاب، ۲۰۰ هزار تومان پول لباس کارگران و همچنین حق اضافه کاریشان حذف می شود. این نمونه و نمونه های



چرا به خواسته های زحمتکشان قسم رسیدگی نمی کنند؟

موظفید لااقل تا ۵ روز دیگر برای مافکری بنمائید چنانچه بازهم توجهی ننمائید ما مجبور هستیم از طریق مطبوعات و از طریق اطلاعیه به گوش تمام همشهریان خود برسانیم در صورتی که یک بار هم در تاریخ ۱۱ دی ماه شماره (۲۰۴۵۹) به دفتر شهرداری مراجعه شده است که هیچگونه اقدامی نکرده اید.

این مطالب که در بالا آمد تنها درد دل اهالی یک خیابان و یک محل نیست. آیا مقامات محترم و مسئول سری به وضع رقت بار خیابان های نیروگاه ۱۶ متری کیانفر، خیابان دروازه ری و خیابان های انتهای آذر و مقابل بیمارستان نکویی زده اند قلب امام بخاطر ملت و مردم مستضعف می تپید و در بستر بیماری توصیه و تاکید به رسیدگی به وضع مستضعفین می فرمایند. چه کسانی به خود اجازه می دهند که غیر واقع خود را منتخب امام معرفی کنند ولی در عمل کوچکترین احساس مسئولیتی ننمایند آیا امام بزرگواری که در انتخابات رئیس جمهور پیروز می شود مداخله نمی فرمایند در کار انتصاب شهردار و مقامات دیگر مداخله و توصیه می فرمایند. آیا کسی هست که بپرسد چرا باید بود حاکمه شهر فقط صرف چند خیابان اعیان نشین بشود؟ و بالاخره ما باید شکایت و فریاد خود را به گوش چه مقامی برسانیم؟ چرا چه کسانی مسئول هستند؟ چرا به نام ما با بیش از صدها امضاء که به شماره ۲۱۷۹۶-۱ بهمن در شهرداری موجود است توجه نشده؟

برای این که مغازه هائی در این خیابان ساخته اند برای این که مغازه های خود را رونق بیشتری بدهند تا پول بیشتری به نام سرفقلى از مردم بگیرند، شروع به بریدن درختان که با پول این ملت بدیخت به ثمر رسیده از بین ببرند و هر چه ما به شاتلفن کردیم گوئی اصلا شما مسئول نیستید؟ آیا شما توافق شما و با همکاری ما موران ما دست به چنین خیانتی زده اند؟ آیا در این زمستان وظیفه شما نیست که گاه مایشین خود را سوار شوید و سری به وضع شهر بزنید ببینید در این ایام که روستاها دارای جاده سازی و شن ریزی شده اند مردم این قسمت شهر که تا بالاتر از پنج پای خود در گسل فرورفته نباید فکری به حال آنها شود؟ آیا نباید لااقل از یک خیابان ۱۰ متری آن را شن ریزی کنند تا کودکان معصوم بی گناه که به مدرسه می روند کفش های خود را در گل جا نگذارند؟ یا شن ریزی که در حدود چند تا مایشین شن بیشتر نمی خواهد واجب است یا فلکه صدها هزار تومانی آخر خیابان با جک؟ آیا کدام واجب است؟ آیا این مردم که از همه چیز محروم هستند رفتگری نمی خواهند که زباله آنها را ببرند جناب آقای شهردار از انقلابی قم ما تا بحال صبر کردیم و کاسه صیرمان لبریز شد و دیگر عبور و مرور برای ما غیر قابل تحمل شده است. شما

دروازه چوبی و اما مزاده ابراهیم و بیشتر محله های دیگر قم که از یک تکه آسفالت و جاده شن ریزی شده محروم می باشند که دیگر جای هیچگونه تاملی نداریم. ما چندین بار توسط تلفن و نامه به شما اطلاع داده ایم ولی کار مثبتی از طرف شما ندیده ایم ولی اگر اقدام نشود از طریق رسانه های دیگر اعتراض خود را بیان خواهیم کرد.

قابل توجه: اعضای محترم شورای شهر - دفتر امام خمینی و اهالی عبور متدین شهرستان قم - جناب آقای شهردار انقلابی شهرستان قم.

به عرض می رسانند: ساکنان خیابان های بالاتراز میدان امام خمینی ۱- ۲۰ متری جنب باسکول ۲- خیابان گاز مقابل شهرک معروف به خیابان مدرس ۱۶ متری و ۱ متری های دست راست تا نزدیک شبکه برق آیا مردم انقلاب کرده اند که عده ای بر سر کار ببیند و باز به نفع سرمایه داران به کار خود ادامه دهند؟ آیا اگر مردم به فرمان امام صیرانقلابی داشتند و صبر کردند بزیاد از همه چیز محروم باشند؟ آیا طبقه ضعیف انسان نیستند؟ آیا شهردار که خود مسئولیت سنگینی دارد، در تانستان از پای کولر و در زمستان از کنار بخاری نباید برخیزد و سری به سطح شهر بزند و از وضع شهر آگاه شود ببیند چطور عده ای سردور

کلیه اشخاصی که از تونسل اما مزاده رفت و آمد می نمایند، آیا از انقلاب به بعد هیچگونه اقدامی به این محله ها نشده است یا نه؟ آیا افراد این محله ها انسان نیستند؟

آیا شهردار که خود مسئولیت سنگینی دارد نباید به محله های بخش ۲ بخصوص اطراف اما مزاده ابراهیم بیاید و سری بزند و ببیند حد اقل با تو سمیل خود از تونسل عبور کرده و در این محله ها پای پیاده چند قدمی پیاده روی کند؟ آیا نباید فکری به حال این کودکان معصوم و محصلین که نه خانه حسابی و نه مدرسه حسابی دارند لااقل از جاده و محله های خوبی برخوردار باشند.

آیا شن ریزی و آسفالت این محله ها واجب می باشد یا فلکه چندین هزار تومانی با جک و دوباره آسفالت کردن محله های خودتان (بخش یک) به نظر شما کدام واجب می باشد؟ آیا این مردم باید همیشه از همه چیز محروم باشند و هزاران آبی دیگر. جناب آقای شهردار و فرصت طلبان اطرافیان او که به اصطلاح انقلابی می باشند شما با این همه دستگاه هائی که از انقلاب به بعد تهیه نموده اید اگر آنها را یک روز در این محله ها به کار بگذارید حتما این محله ها مانند محله های بخش یک خواهد شد. این درد دل تمام افراد محله های زند آباد، مهرآباد

محلات شاه ابراهیم نیروگاه، زند آباد، و قم نو، از محلاتی است که اکثریت مردم زحمتکش قم در آن سکونت دارند. در این محلات، مانند همه محلات و مراکز سکونت زحمتکشان در شهرهای مختلف میهن ما حد اقل امکانات رفاهی و شهری نیز وجود ندارد. در قم نیز مانند تهران و شهرهای دیگر "بالا شهری ها" همه چیز دارند و "پائین شهری ها" هیچ چیز ندارند. در قم نیز مانند شهرهای دیگر، آنتهائی که دستشان به دهانشان می رسد مورد توجه مقامات رسمی هستند و آنتهائی که یادست های پینه بسته خود چرخ های اقتصاد میهن را می گردانند، بی اعتباری مقامات و تعیین ضوابط و مقررات و مطالبات و خواست های زحمتکشان که پرچم خونین قیام را برافراشتند همچنان به قوت خود باقی است. آنچه که در زیر می خوانید اعلامیه مردم زحمتکش این محلات است که در اعتراض به مقامات رسمی شهر نوشته شده است و در آن خواستار رسیدگی فوری به خواست ها و مطالبات برحقشان هستند.

سمه تعالی
قابل توجه
ریاست محترم شهردار انقلابی قم
به عرض می رساند ساکنین محصلین، کارمندان و کارگران اطراف اما مزاده ابراهیم و

کمکهای مالی دریافت شده

الف) اقوا	ب	ج	د	س	ش	ع	ق	م
۱۵۵۸۲	۱۲۲۹	۲۰۰۰	۱۰۱۲۷	۲۲۸۷	۱۵۲۰۰	۶۲۵۷	۲۱۲۲	۵۸۷۲
۲۷۲۱	۲۲۸	۵۵۳۵		۱۰۷۲	۳۳۲۷	۵۶۲۷	۱۰۰۰	۱۰۰۰
۲۸۸۷	۲۲۸	۱۲۵۸		۲۱۵۲	۸۴۱۰	۵۶۲۷	۱۰۱۰	۱۱۲۱
۲۲۲۱	۲۲۰	۱۶۰۰		۱۲۳۰	۵۷۵۲	۵۶۲۷	۱۳۳۰	۵۲۱۹
۲۲۰	۲۲۸	۷۵۵۵		۵۲۲۲	۵۰۲۹	۲۳۳۴	۱۳۳۰	۶۰۵۳
	۲۸۰۱۹			۷۸۰۲	۵۰۳۵۸	۶۱۱۰	۲۱۲۵	۲۱۸۵
۲۵۹۹	۵۵۵۵			۹۵۵۲	۱۵۹۶۲			۱۷۸۵
۱۰۴۸۲	۱۰۴۸۲			۱۷۲۲	۱۹۲۹۸			۵۲۲۲
۲۲۲۲	۲۰۶۲۷			۱۸۲۹	۲۱۱۱			۶۱۵۰
۲۲۲۲		۲۵۱۱۱		۲۱۱۱				۲۲۲۲
۲۲۲۲				۲۳۴۵۶	۲۷۷۷			۲۰۴۲۲
۲۲۲۲				۸۴۸۶۵	۲۰۱۰۵			۲۰۴۲۲
۲۲۲۲				۲۰۱۹	۲۰۰۲			۳۰۰۰۰
۲۲۲۲				۹۵۲۰	۵۰۱۰۰			۳۰۰۰۰
۲۲۲۲				۳۹۵۵	۱۵۵۵۰			۳۰۰۰۰
۱۲۰۰	۱۰۵۹۲			۱۰۲۲۲	۲۰۸۸			۲۴۰۰
۳۰۵۵	۱۹۹۷			۲۱۰۰	۳۰۸۸			۲۲۲۲
۱۲۲۲	۱۰۱۲۲			۱۱۱۹۰	۱۹۷۱			۱۱۱۱
۷۲۵۲	۱۰۱۲۲			۱۲۲۸	۱۰۱۲۲			۲۴۰۰
۲۰۱۲۸	۲۵۵۱			۱۰۱۲۲	۱۰۱۲۲			۲۴۰۰
۲۱۹۲	۱۰۰۰			۱۰۱۲۲	۱۰۱۲۲			۲۴۰۰
۱۰۱۵۲	۱۰۰۰			۱۹۹۱۷	۲۲۲			۲۴۰۰
۱۰۲۸۲	۱۰۱۲۲			۱۰۲۱۹	۲۲۲			۲۴۰۰
۱۰۲۸۲	۱۰۱۲۲			۱۰۲۰۱	۲۲۲			۲۴۰۰
۱۱۰۰۲۲	۱۰۱۲۲			۲۲۲۹	۱۵۹۱۲			۲۴۰۰
۱۱۰۰۲۲	۱۰۱۲۲			۹۲۶۹	۲۲۲			۲۴۰۰
۲۰۱۲۲	۶۲۵۶			۲۲۲۲	۱۰۷۵۲			۲۴۰۰
۱۰۵۲۱	۲۱۸۷			۱۰۰۲۰	۳۰۵۲			۲۴۰۰
۱۰۵۶۷	۶۱۵۰۲			۲۲۲۲	۳۰۵۲			۲۴۰۰
۱۰۱۰۷	۱۰۵۰			۱۰۰۲۰	۳۰۵۲			۲۴۰۰
۵۰۱۲		۸۰۰۳۰		۵۲۲۲	۳۰۵۲			۲۴۰۰
۱۰۱۲	۲۰۲۰۲			۱۲۲۲	۳۰۵۲			۲۴۰۰
				۱۱۲۷	۳۰۵۲			۲۴۰۰
				۱۰۰۵۲	۳۰۵۲			۲۴۰۰

خود سوزی يك كارگر

نگرفت، ساعت ۱۱ صبح در مقابل کاخ گمرک، در برابر چشم زن و فرزندانش و تعدادی از کارکنان گمرک خود را آتش زد. همسر حسینی با تاثیر و درمانگی اظهار داشت: "شوهرم که پدرش فرزند خردسال است، در طی این یک سال بیکاری، تمام وسایل خانه را فروخته و صرف ایاب و ذهاب و دوندگی برای کارش کرد. دیگر تحمل ادامه این وضع را نداشت." حسینی پیرحیات را به بیمارستان بردند، تا پیکر نیمه جان و سوخته اش را در مان کنند.

حسینی پیرحیات، کارگر گمرک ایران که در رژیم گذشته اخراج شده بود از فردای قیام بادلای گرم و امیدوار، برای استخدام مجدد در گمرک به فعالیت پرداخت، او یک سال تمام باره ای "شورای سرپرستی گمرک" مراجعه کرد ولی حاصل این دوندگی ها جز وعده و وعید و سرد و اندن چیز دیگری نبود. تا این که آخرین بار روز ۳۰ بهمن ماه به اتفاق زن و فرزندانش به گمرک آمد تا در حلسه "شورای مدیران" گمرک شرکت کند و بپرسد در دلهای خود درمانی بیاید ولی چون باز هم جز وعده و وعید بی اساس نتیجه دیگری

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر، بیست و بار زات ضد امپریالیستی-دموکراتیک خلقهای ایران



مادر انتخابات باید

از کدام کاندیدها حمایت کنیم؟

در آستانه انتخابات مجلس شورای ملی قرار گرفته‌ایم، یکی از مهم‌ترین مسائلی که در انتخابات مطرح است، اعلام حمایت سازمان‌های سیاسی مختلف از کاندیداهای سایر جریان‌هاست. در این میان ما کمونیست‌ها موظفیم آن معیارها و اصول معینی را که دیدگاه ایدئولوژیک ما آن را تصدیق می‌کند، به نحو صریح و روشن تدوین کنیم و انتشار دهیم. تجربه مجلس خبرگان به ما آموخت که هر نوع عدم صراحت و ابهام‌گویی در اعلام حمایت از کاندیداهای سایر جریان‌های سیاسی فقط و فقط باعث سردرگمی مردم خواهد شد.

ما در این مقاله خواهیم گوشتید معیارها و ضوابط خود را در زمینه پشتیبانی یا عدم پشتیبانی از هر یک از جریان‌های سیاسی در انتخابات مشخص سازیم.

ما قبل از هر چیز معتقدیم که مسئله حمایت وقتی می‌تواند جنبه جدی و عملاً موثر به خود بگیرد و در وضعیت تعادل نیروها موثر واقع شود که کاندیدها از حمایت توده‌های معین و مشخص برخوردار باشند چرا که کاندیدائی که فاقد پایگاه

توده‌ای است، شرکت وی در انتخابات که یک مبارزه و عمل توده‌ای است، هیچ تاثیر مشخصی در سطح جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق به‌جا نخواهد گذاشت و در تنظیم روابط بین نیروهای توده‌ای و سمت و سوی آنان در جهت معین و در رابطه با اهداف مرحله‌ای و استراتژیک نمی‌تواند موثر افتد.

اولین مسئله‌ای که در این زمینه مطرح می‌شود آن است که کاندیدای مورد نظر چه سهمی و چه نقشی در شرایط فعلی در تعادل نیروها در سطح جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق ایفا می‌کند و آیا اساساً حمایت از این یا آن کاندیدا می‌تواند تاثیری در رسیدن به اهداف خود به‌جای گذارد. یا خیر؟

در این میان کاندیداهای جریان‌های مختلف مدعی مارکسیسم از قبیل خط ۳ و خط ۴ و غیره هیچ‌یک دارای پایگاه توده‌ای معینی نیستند که بر مبنای آن و به اتکال آن بتوان مسئله ضرورت حمایت از کاندیداهای آنها را برای دست یافتن به دو هدف فوق مورد ارزیابی قرارداد. حمایت و یا عدم حمایت از آنها عملاً در سطح جنبش توده‌ای و به‌ویژه در جریان مبارزه انتخاباتی جاری و تعادل نیروها هیچ‌گونه تاثیر عملی و مشخصی بر جای نخواهد گذاشت.

بنابراین پشتیبانی از این نیروها نمی‌تواند از لحاظ تاثیرگذاری روی جریان انتخابات و نتایج آن مطرح باشد. مبارزه پارلمانی مبارزه‌ای است بین صف مردم و دشمنان مردم همانطور که گفتیم در این مبارزه توده مردم شرکت دارند.

شرکت کاندیداهای جریان‌هایی که پایگاهی در میان توده‌ها ندارند در توازن نیروها و در واقعیت مبارزه طبقات و سیر مبارزه پارلمانی تاثیرات معینی و مشخصی به‌جای نمی‌گذارد. مبارزه واقعی میان کاندیداهای جریان خواهد یافت که در نهایت توده مردم آگاهانه یا ناآگاهانه به آنان رای دهند (فرس بر این است که از تاثیرات تقلبات رایج انتخابات بورژوازی، چشم‌پوشی شده باشد). البته در این میان در شرایط دمکراتیک هم در بسیاری موارد اقتضای وسیعی از توده‌های مردم تحت تاثیر تبلیغات عوام‌فریبانه فرار می‌گیرند و به دنبال اجزایی به‌راه می‌افتند که علیم منافع آنان و به سرمایه‌داران و ملاکین، به‌سود دشمنان تاریخی و طبقاتی آنها عمل می‌کنند. در برخی موارد هم (عمدتاً پس از کسب آگاهی تاریخی و طبقاتی) مردم به نمایندگان واقعی خود رای می‌دهند.

با این حساب چنانچه مبارزه عینی و مادی طبقات را در نظر بگیریم، آنچه حائز اهمیت است، موضع سازمان‌ها و نیروها در قبال کاندیداهائی است که از حمایت توده‌های معین برخوردار باشند.

و اما از نقطه نظر مصالح و منافع جنبش کمونیستی ایران باید دید که حمایت یا عدم حمایت از کدام کاندیدا بیش از همه به رشد و گسترش جنبش کمونیستی ایران منجر خواهد شد؟ در این رابطه مسئله وحدت در جنبش کمونیستی و مبارزه با اپورتونیسم و منفرد ساختن آن و هم چنین گسترش پیوند با طبقه کارگر و کمک به بسیج و تشکل آن می‌تواند مطرح باشد. بر واضح است که حمایت از کاندیداهای غیر وابسته به جنبش کمونیستی ایران در این دو زمینه مستقیماً موثر نیستند دامنه تاثیر عمل آنها (بازتاب اعلام حمایت و یا عدم حمایت از آنان) بیشتر به وضعیت نیروها در سطح جنبش خلق و روابط متقابل آنها برمی‌گردد. حمایت از سایر نیروهای غیر مارکسیست قبل از هر چیز در رابطه با فراهم آوردن زمینه‌های تشکیل جبهه مطرح می‌شود و نه زمینه‌های عینی و ذهنی تشکیل حزب طبقه کارگر.

پس چنانچه کاندیداهای مدعی مارکسیسم پایگاه توده‌ای نداشته باشند، در زمینه گسترش زمینه‌های وحدت عمل نیروهای مختلف جبهه خلق چندان موثر نیستند و مسئله حمایت یا عدم حمایت از آنها عمدتاً بازمی‌گردد به تاثیری که حمایت از آن کاندیدها می‌تواند روی بروی تشکیل حزب طبقه کارگر و اسر وحدت در جنبش کمونیستی ایران بر جای گذارد.

نگاهی به جنبش کمونیستی ایران نشان می‌دهد که بروی تشکیل حزب در ایران به‌هیچ‌وجه بدان صورت نیست که محافل مارکسیست برانگیزه به‌تدریج در یک ارگان سراسری متشکل شوند و هر محفل در این میان همان وضعیتی را داشته باشد که دیگری دارد. اکنون این وظیفه بطور عمده بر دوش سازمان ما قرار دارد.

حمایت از سایر جریان‌های درون جنبش کمونیستی از چه نظر می‌تواند برای ما حائز اهمیت باشد؟

هرگاه این حمایت نتواند جنبش انقلابی خلق را در برابر خرد بورژوازی واپس‌گرا و جریان‌های بورژوازی و امپریالیستی تقویت نماید، هرگاه این حمایت نتواند به پروسه وحدت در جنبش کمونیستی و پیوند با طبقه کارگر یاری رساند. وقتی این حمایت بروی تشکیل حزب را از طریق رشد جریان‌های دارای گرایش‌های انحرافی درون جنبش کمونیستی به‌بیراهه کشاند و

*** مسئله حمایت وقتی می‌تواند جنبه جدی و عملاً موثر به‌خود بگیرد و در وضعیت تعادل نیروها موثر واقع شود که کاندیدها از حمایت توده‌های معین و مشخص برخوردار باشند.**

*** مهر نائید ما بریک جریان اپورتونیستی که فاقد پایگاه توده‌ای است، تنها شری که به بار می‌آورد، تقویت اپورتونیسم درون جنبش کمونیستی است.**

جز آنچه شمریم هیچ تاثیر دیگری هم به‌بار نیآورد وقتی این حمایت یک موقعیت کاذب برای نیروهای که در حال حاضر برخلاف وحدت جنبش خلق و جنبش کمونیستی گام برمی‌دارند فراهم آورد، هرگاه این حمایت به دلیل سیاست‌های غلط آن جریان‌های انحرافی به وحدت عمل سایر نیروهای ضد امپریالیست با انقلابیون کمونیست آسیب رساند. طبعاً این سؤال مطرح خواهد شد که پس این حمایت برای چیست؟

در اینجا ممکن است بر ما ایراد بگیرند که چطور شما به مجاهدین خلق می‌گوئید که چرا معیار انقلابی بودن را در انتخابات مجلس خبرگان کنار گذاشتند و به‌جای حمایت از کاندیداهای فدائی یا لیبرال‌ها متحد شدند؟ و حال آنکه خود شما کسانی را که سال‌ها سابقه مبارزاتی داشته‌اند کنار گذاشته‌اید و به‌جای آنها کسان دیگری را انتخاب کرده‌اید؟ جواب ما در اینجا روشن است. ببینیم مجاهدین چرا آن‌اسامی را در لیست خود گنجانده‌اند؟ آیا آن افراد می‌توانستند به شکل‌گیری جبهه خلق یاری رسانند؟ یا آن افراد به تقویت رادیکالیسم در جنبش کمک می‌کردند؟ یا هدف از گنجانیدن آن اسامی بیشتر آن بوده‌است که ترکیب کاندیدها به قسول مجاهدین مشروعیت پیدا کند و تکفیر نشود؟ مجاهدین نمی‌توانند اثبات کنند که ترکیب کاندیدهای آنان برای مجلس

*** "سه‌جهان" با "سوسیال‌امپریالیسم" تنها در حرف تفاوت می‌کند، در عمل این دو تفاوتی باهم ندارند و بینش و تفکر "بیکار" مجبور است بالاخره تکلیف خود را روشن کند.**

هستند تنها بدین شرط درست بود که این پشتیبانی می‌توانست روی پروسه تشکیل حزب تاثیر مثبت بر جای گذارد و با زمینه همگاری و وحدت عمل نیروهای ضد امپریالیست و ترفیخواه را تقویت کند و دست کم به آن آسیب نرساند. در اینجا لازم می‌دانیم رئوس مواضع خود را در مورد جریان‌های درون جنبش کمونیستی ایران که در مبارزه انتخاباتی شرکت کرده‌اند، توضیح دهیم. این جریان‌ها را در سه دسته جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

اول - بیکار "خط ۳"
محور تشکل جریان‌های وابسته به خط ۳ را نفی موجودیت اردوگاه سوسیالیستی و تبلیغ و ترویج تئوری ارتجاعی "سوسیال‌امپریالیسم" تشکیل می‌دهد. این جریان‌ها که با شعار "مرگ بر امپریالیسم آمریکا" و "مرگ بر سوسیال‌امپریالیسم" به میدان آمده‌اند، مشخصاً یک جریان انتقادی هستند که هر دو اردوگاه را دشمنان خلفهای جهان می‌شناسند هم اردوگاه سوسیالیستی را و هم اردوگاه امپریالیستی را. و این خطرناک‌ترین انحراف در جنبش کمونیستی ایران است.

بیکار و هم‌فکران آن در ایران دشمن اصلی را امپریالیسم آمریکا می‌دانند ولی در افغانستان درکنار دشمن اصلی خلق ما

*** سیاست "راه‌کار" یک سیاست لیبرالیستی است. آنها همان شعارهای لیبرال‌ها را به‌عینه تکرار می‌کنند. "خط ۴" معتقد است لیبرال‌ها از دادن آن شعارها قصد دیگری دارند و آنها قصد دیگری!**

حبرگان گامی بوده‌است در جهت فراهم آوردن زمینه‌گسترش و زمینه‌های وحدت عمل و همکاری نیروهای ضد امپریالیست و ترفیخواه. آنها مهر نائید زیر نام کسانی نهادند که حایشان نه درکنار مجاهدین بودند درکنار هیچ‌نیروی انقلابی و ترفیخواه دیگر لیکن مامی کوشیم جنبش خطائی را نائید و تکرار نکنیم. البته مجاهدین به هیچ‌کسی دیگری نمی‌توانند سیاست فدائیان را با سیاست مجاهدین مقایسه کنند. مجاهدین در آن زمان حقایق انقلابیونی که از حمایت توده‌ای برخوردار بودند. به لیبرال‌های رای دادند که آنان روز معلوم نبود چکاره‌اند. آنها با این عمل ذهنیت توده‌ها را مخدوش کردند و نگذاشتند توده‌ها دوستان و دشمنان واقعی خود را بشناسند. اما امروز ما کسانی را انتخاب می‌کنیم که می‌توانند در گسترش وحدت عمل نیروهای ترفیخواه در عمل و در واقعیت نقش ایفا کنند. ما دوستان واقعی اقشار و طبقات مختلف خلق را به‌آن معرفی خواهیم کرد.

بعلاوه برای ما مصالح جنبش کمونیستی مطرح است و نه تنها مطرح است، بلکه از اولویت هم برخوردار است. چه بدون تحکیم جنبش کمونیستی، جنبش ضد امپریالیستی نمی‌تواند استمرار یابد و به پیروزی رسد. همان‌گونه که گفتیم چنانچه حمایت ما از این یا آن جریان منفرد مارکسیست، جنبش کمونیستی ایران را به بیراهه کشاند و باعث تقویت جریان‌های انحرافی درون آن شود، ما هرگز چنین حمایتی را تحویب نخواهیم کرد و این قطع نظر از سوابقی است که فلولان کاندیدای مورد بحث داشته‌است اگر تنها ملاک ما سوابق مبارزاتی این یا آن کاندیدا باشد چه در میان کاندیداهای حزب توده. چه در میان کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی و چه در میان سایر کاندیدها، عناصر بسیاری می‌توان یافت که سالها زندان کشیده‌اند و از قضا مردانه هم زندان کشیده‌اند و در برابر رژیم درخیم شاه ایستاده‌اند. اما ما از این چنین کاندیدها حمایت نخواهیم کرد. زیرا این حمایت نه تنها به سود امر وحدت در جنبش خلق تمام نخواهد شد بلکه علاوه بر آن در مورد کاندیداهای جریان‌های مدعی م. ل. به زبان اسر وحدت در جنبش کمونیستی ایران نیز عمل خواهد کرد زیرا برای ما کل جریان مهم است، کل جریان مطرح است نه افراد و عناصر آن بطور مجزا.

مهر نائید ما بریک جریان اپورتونیستی که فاقد پایگاه توده‌ای است، تنها شری که به بار می‌آورد، تقویت اپورتونیسم درون جنبش کمونیستی است. حال آنکه اگر ما از یک جریان

فرار گرفته‌اند. بیکار در افغانستان از جریانی به نام "اخگر" حمایت می‌کند. "اخگر" در افغانستان با فتوادل‌ها و سران مرتجع عشایر، با مزدوران امپریالیسم آمریکا و مرتجعین پاکستانی همدست و هم‌سنگر شده‌است. بیکار مدعی است "اخگر" در افغانستان به‌سود مردم با دولت می‌جنگد و حال آنکه مزدوران امپریالیسم آمریکا و فتوادل‌ها به زبان مردم با دولت می‌جنگند. ما می‌گوئیم نیت شما پاک است اما شما در عمل همان کارهایی را می‌کنید که ارتجاع افغان و متحدین آن می‌کنند. واقعیت‌ها تعیین‌کننده‌اند نه ادعاهای شما.

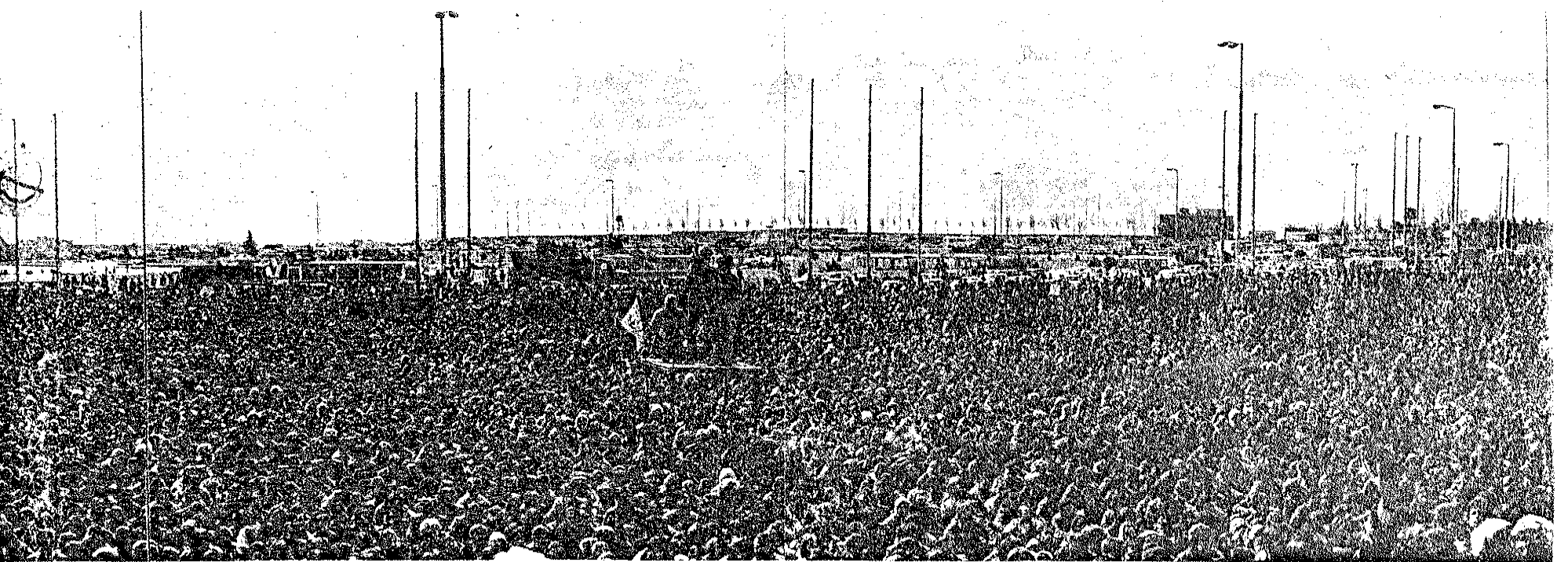
بیکار همان ایدئولوژی ورشکسته و ارتجاعی خرد بورژوازی عقب مانده و در حال تلاشی را که با شعار نه شرقی نه غربی به میدان آمده. به عاریت گرفته و می‌کوشد رنگ و لعاب علمی و آکادمیک به آن بدهد. بیکار همان شعار بوج و عوام‌فریبانه و خیالی نه شرقی نه غربی را بزرگ کرده و در قالب خوش‌آب و رنگ "مرگ بر امپریالیسم، مرگ بر سوسیال‌امپریالیسم" به بازار عرضه کرده‌است. جوهر و عصاره دیدگاه و بینش خط ۳ همان جوهر و عصاره بینش خرد بورژوازی واپس‌گراست. همان بینش و تفکری که همان اندازه از سوسیالیسم می‌هراسد که از امپریالیسم متنفر است.

اما در میان جریان‌های وابسته به خط ۳ و حتی از آن وسیعتر در سطح جنبش کمونیستی ایران برنامه حداقل سیاست و خط مشی بیکار در برابر حاکمیت و مبارزه طبقات و تحلیل این جریان از موقعیت فعلی نسبتاً منطقی و از سایر جریان‌های مدعی مارکسیسم، به برنامه و سیاست سازمان ما نزدیک تر است. هر چند که در آن تحلیل‌ها بدعت‌های بی‌باید و در هم‌انداختنی نیز به چشم می‌خورد. علاوه به نظر می‌رسد که در این سازمان حداقل در سطح کسانی که با واقعیت‌های مبارزه طبقات تماس ملموس تری دارند، گام‌های معینی در جهت مقابله با اکونومیسم و بطور کلی تصحیح خط مشی به پیش برداشته شده باشد.

متذکر می‌شویم که در رئوس برنامه حداقل سازمان بیکار نسبت به آنچه که سابقاً از جانب این سازمان عنوان می‌شد، به‌ویژه در زمینه سیاست خارجی گرایش‌های نازهای به چشم می‌خورد. گرایش‌هایی که بوئی از تصحیح دیدگاه را می‌دهد. به راستی چرا بیکار وقتی از عبارت "کشورهای سوسیالیستی" استفاده می‌کند معین نمی‌کند که منظور او کدام کشورهای بقیه در صفحه ۱۰

انبوه بیسابقه جمعیت تجلی شکوهمند
گسترش میوند فدائیان با خلق بود

دریای جمعیت در میدان



ساعت ۹/۵ روز جمعه ۱۷ اسفند، میتینگ انتخاباتی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در میدان آزادی برگزار شد.

این میتینگ که بیس از مخالفت‌های اولیه وزارت کشور و ناکند مجدد سازمان منی بر برگزاری آن رسماً از طرف وزارت کشور مورد تأیید قرار گرفت با شرکت صدها هزار تن از مردم آگاه و مبارز تهران باشکوه خاصی برگزار شد.

میدان آزادی، برای نخستین بار، انبوه جمعیتی را در خود جای می‌داد که زیر پرچم خونین فدائیان خلق و دپتین سرود "انترناسیونال" فریاد می‌زدند "نه سازش نه تسلیم، نبرد با آمریکا". آنها برای تحقق شعار استقلال، کار، مسکن، آزادی، گرد آمده بودند و حلوهای از شکوه ایران آزاد و دمگراتیک فردا را داشتند.

هزاران چهره زحمتک در انبوه چهره‌های جوان

وبالنده نوید بخش گسترش پایگاه‌نوده‌های سازمان بود میتینگ مویید گسترش روزافزون نفوذ و اعتبار جنبش کمونیستی ایران در بین طبقه کارگر، زحمتکشان و نیروهای ترقیخواه میهنان بود.

در آغاز انبوه جمعیت با مشت‌های گره کرده برای بزرگداشت رهبران شهید خلق ترکمن و ابراز انزجار عمیق خود از فاجعه ترور رفقا توماج جرحانی، مختوم و واحمدی یک دقیقه سکوت اعلام کرد.

چهره‌های مصمم رفقا بر پرده‌های آویخته در میدان درهاله‌ی سکوت صدها هزار تن که به احترام آرمان‌آنان و اعلام وفاداری به راه آنان به پا خاسته بودند، نشانه شکست دشمنان خلق‌های قهرمان ایران و نوید بخش پیروزی آرمان سوسیالیسم بود.

طنین سرود خلق ترکمن سکوت میدان را در بروردید. و سپس رفیق حشمت‌الله

رئیس سخنان خود را با درود به خلق‌های سراسر جهان که برای رهائی از یوغ امپریالیسم مبارزه می‌کنند، آغاز کرد. او در قسمتی از سخنان خود گفت:

"مبارزه طبقاتی عمیق‌تر می‌شود، طبقه سرمایه‌دار ایران که با هزاران رشته به امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا پیوند دارد و محافل ارتجاعی که سیاست خود را شکست خورده می‌بینند برای ایفاء خود به شیوه‌های فاشیستی و ایحاد باندهای سیاه متوسل می‌شوند و این نشان‌دهنده رشد جنبش توده‌ای میهن‌ماست که سرمایه‌داران را به وحشت انداخته است."

او در سخنان خود تأکید کرد که برای دفاع از منافع طبقه کارگر و همه زحمتکشان میهن و برای پیشبرد مبارزه صدامپریالیستی به مجلس

می‌رود.

در این هنگام سرود مرگ بر امپریالیسم به وسیله دسته‌گرد خوانده شد و بعد از آن رفیق هیت‌الله غفاری سخن گفت. رفیق هیت‌الله غفاری دو مرحله‌ای کردن انتخابات را توطئه باندهای انحصارگر نامید و گفت:

"آنان بدین وسیله می‌خواهند ترکیب مجلس شورای ملی را کسانی تشکیل دهند که مهرتائید بر تمام سیاست‌های حاکمیت می‌زنند. آنها این شیوه را برگزیده‌اند تا صدای مخالفی که بیانگر منافع توده‌ها باشد، از مجلس بلند نشود."

رفیق در ادامه سخنانش به تشریح شروط رئیس جمهور در مورد آزادی گروگان‌ها پرداخت و گفت:

"این خام‌اندیشی است که تصور کنیم که امپریالیسم اگر تعهد دهد، در امور داخلی کشورمان دخالت نخواهد کرد

و استقلال یک کشور را به رسمیت خواهد شناخت و مسخره‌تراز آن این است که بیدیشیم امپریالیسم اکنون در میهنان حضور ندارد. او سیرا ضافه کرد که بقضاء سرمایه‌داران یعنی حضور امپریالیسم، ایفاء فرماندهان ارتش شاهنشاهی یعنی حضور امپریالیسم، ارگان‌های ماده از رژیم سابق یعنی حضور امپریالیسم.

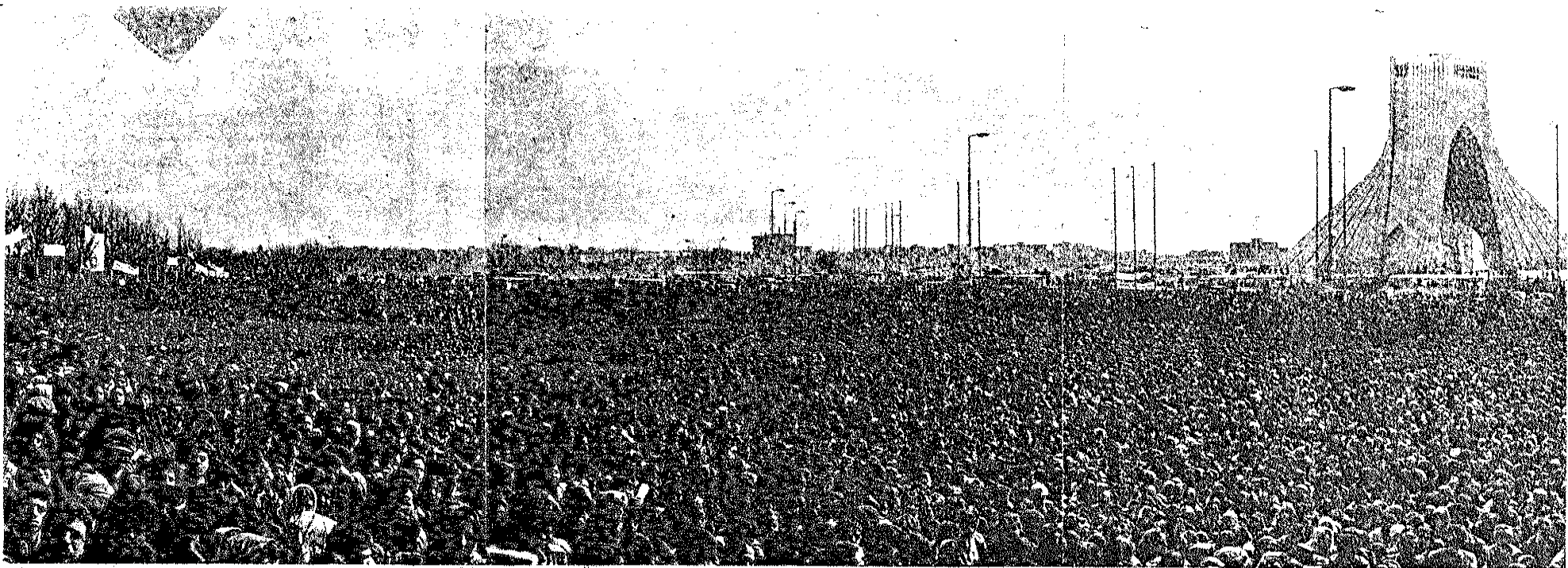
رفیق سعید سلطانپور و رقیه دانشگری سخنران‌های دیگر میتینگ بودند که از حقوق خلق‌ها، توطئه‌های پاندهای سیاه به تفصیل سخن گفتند. آنها تأکید کردند که:

"سیاست‌های سرکوبگرانه کنونی که از طرف محافظان وابسته به امپریالیسم صورت می‌گیرد برای تحکیم سلطه امپریالیسم آمریکا است. محافظی در حاکمیت وجود دارند که با سازماندهی و رهبری باندهای سیاه

گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و

فدائیان که مسئول حفظ انتظامات میتینگ بودند، تا پایان با قدرت تمام در برابر مهاجمان ایستادگی کردند و سپس با یک یورش همه آنها را متواری ساختند. فداکاری آنها مانع از آن شد که سنگهای مهاجمان به مردم اصابت کند.

آزادی زیر پرچم خونین فدائیان خلق



در حاشیه میتینگ ...

مردم هجوم آوردند و سرنشینان آریا را از معرکه به در بردند. مهاجمان که خود را در محاصره مردم دیدند شروع به تیراندازی هوایی کردند، راننده نیز که به نظر می رسید فرمانده آنهاست سریع به درون بنز رفت و بای سیم چیزهایی گفت او قد بلند و چهره‌ی خشنی داشت و ۳۸-۴۰ ساله به نظر می رسید. در همین لحظه چند ماشین دیگر رسیدند و از ظاهرشان پیدای بود که کمیته‌چی هستند. آنها که آمدند شروع کردند به فحش دادن مردم و مدام تیر هوایی خالی می کردند با اینهمه در مقابل اعتراض مردم هیچ کاری از دستشان ساخته نبود. مردم آنها را فراری دادند، آنها از ترس هجوم مردم به سرعت پا به فرار گذاشتند و یکبار رسید که هیچ نیروئی رادر مقابل مردم آگاه و مبارز برای مقاومت و مقابله نیست.

از افراد مسلح سؤال می کردند "چرا این افراد را می زنید؟ آنها را می خواهید کجا ببرید؟"، "اصلاً شما کی هستید که جلوی مردم را می گیرید و به روی آنان سلاح می کشید؟" افراد مسلح جواب دادند "ما از کمیته هستیم در کار کمیته دخالت نکنید" و وقتی مردم از آنها کارت شناسایی خواستند به جای کارت شروع به تیراندازی هوایی کردند و خواستند که ۴ نفر را همراه خود ببرند. در این هنگام از میان مردمی که در میتینگ ماجرای فاجعه ترور رفقا توماج و همزمانش را شنیده بودند یکی خود را روی کلیت ماشین انداخت و در حالیکه مردم را مخاطب قرار داده بود فریاد زد: "آی مردم اینها می خواهند این چهار نفر را مثل توماج و رفقاییش ببرند و بکشند، جلویشان را بگیرید و نگذارید که مرتکب این جنایت فجیع شوند."

در مسیر اتوبان تهران-کرج چهار نفر از سرنشینان یک آریا که از میتینگ برمی گشتند توسط سرنشینان مسلح یک بنز بدون شماره که به بی سیم مجهز بودند، مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و توسط آنان تهدید به مرگ شدند. افراد مسلح به نحو وحشیانه‌ای سرنشینان آریا را کتک می زدند و برای ارباب مردم که در این هنگام دور آنها ازدحام کرده بودند، مبادرت به تیراندازی هوایی کردند. دوتن از مهاجمین در حالی که با کلت خود شقیقه سرنشینان آریا را نشانه گرفته بودند آنها را به اجبار به درون ماشین بنز کشاندند. آنها با دست کلت به سر سرنشینان آریا و پایوتین به ساق پای آنان می زدند. سرنشینان آریا فریاد می زدند که بی گناه هستند و از مردم استمداد می طلبیدند. در این فاصله مردم زیادی جلب صحنه شده بودند مردم

شهریانی متأسفانه نتوانستند نقش فعالی در حفظ انتظامات میتینگ برعهده گیرند

وزارت کشور در پایان میتینگ طی اطلاعیه‌های مهاجمان را تنها مورد انتقاد قرارداد و گارد انتظامات سازمان را که برای حفظ امنیت صدها هزار نفر شرکت کننده میتینگ به دفع یورش مهاجمان پرداخته بود، مورد تخطی قرار داد. این نحوه برخورد وزارت کشور بیشتر به تشویق مهاجمان شبیه بود تا انجام وظیفه‌ای که در مقابل حفظ حقوق دموکراتیک و آزادی‌های سیاسی برعهده دارد.

در جریان یورش وحشیانه مهاجمان و باندهای سیاه که عمدتاً با پرتاب سنگ همراه بود، نزدیک به ۱۶۰ تن از افراد گارد انتظامات و سایر فدائیان مدافع نظم میتینگ زخمی شدند که به بیمارستان اعزام گردیدند.

در صدد محو حقوق دموکراتیک و سلب آزادی‌های سیاسی و ایجاد فضای اختناق و سانسور هستند.

در طول میتینگ گروه‌های تحریک شده به رهبری باندهای سیاه به میتینگ بارها یورش آوردند. آنها با پرتاب سنگ تلاش داشتند میتینگ را درهم بپزند و علی‌رغم تمام اقداماتی که به عمل آوردند توسط فدائیان که مسئولیت حفظ انتظامات را برعهده داشتند به عقب رانده شدند.

گارد انتظامات میتینگ با جانبازی و شجاعت بی نظیری حملات مهاجمین را دفع کرد و با قدرت و وظیفه و مسئولیت خود راه انجام رساند. این فدائیان همچنان سرمشق و غرور آفرین بودند. آنها نشان دادند که در راه ساختن ایران آزاد و دموکراتیک خود را از هر حیث تدارک دیده‌اند. سپاه پاسداران و افراد

فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا

مادر انتخابات باید

از کدام کاندیداهای حمایت

حمایت

بقیة از صفحه ۷

کارگر متکی باشد، قبل از آنکه قدرت توده‌ها را باور کند و به آن متکی گردد و به وظایف خویش در برابر طبقه کارگر و تمام خلق متعهد بماند، به ساخت و پخت در بالا، به همدستی با قدرت‌های حاکم و به اشکال غیرتوده‌ای و توطئه‌گرانه قرضه قدرت و جلب حمایت و پشتیبانی جهانی فکری کند. نه ما و نه سایر کمونیست‌ها نمی‌توانند و نباید این حزب را تقویت و حمایت کنند. زیرا این "حزب" نه به اصول مارکسیسم - لنینیسم اعتقاد دارد نه خط مشی و سیاست انقلابی دارد و نه سابقه مبارزاتی درحاشانی دارد و نه یک جو صداقت انقلابی. ما، "حزب توده" را بزرگترین خطر انحراف از اصول و خط مشی انقلابی در جنبش کمونیستی ایران به شمار می‌آوریم.

* * * * *

اکنون مسئله شرکت در انتخابات مجلس شورا و حمایت از کاندیداهای ما مطرح است. ما کمونیست‌ها در مرحله فعلی باید با دودهدف مشخص ترکیب کاندیداهای نمایندگان مجلس را معین کنیم. دو هدفی که کمونیست‌ها در این انتخابات تعقیب می‌کنند چنانچه قبلاً شرح دادیم این دو هدف عبارت است از حرکت در جهت تشکیل جبهه خلق، یعنی تقویت زمینه اتحاد عمل و همکاری نیروهای شرکت‌کننده در جبهه خلق و حرکت در جهت تشکیل حزب طبقه کارگر، یعنی کوشش در راه تحقق وحدت در جنبش کمونیستی و گسترش پیوند با طبقه کارگر. انتخاب ترکیب کاندیداهای نمایندگان مجلس شورا را باید لاقابل منضم یکی از این دو مقصود باشد. در شرایط کنونی هرگاه انتخاب یک کاندیدا نتواند به امر وحدت در جنبش کمونیستی به گسترش پیوند با طبقه کارگر به گسترش زمینه‌های وحدت عمل نیروهای ضدامپریالیست و مترقی و حرکت به سوی تشکیل جبهه واقعی خلق یاری رساند، طبعاً هیچ دلیل معینی برای حمایت از این یا آن کاندیدا وجود نخواهد داشت اگر هدف اول مد نظر باشد. در حمایت از کاندیداهای سه جریانی که شمردیم، تحقق چنین امری را نه تنها ممکن نمی‌دانیم، بلکه مشخصاً این حمایت موجب تقویت گرایشهای انحرافی درون جنبش کمونیستی خواهد شد.

ما تبلیغ به سود کارگرانی را که در جنبش طبقه کارگر و در جهت اعتدالی مبارزات آن حرکت می‌کنند، درست می‌دانیم. بعلاوه ما حمایت از کاندیداهای سه جریانی را که شمردیم نه تنها در عرصه گسترش زمینه‌های وحدت عمل کلیه نیروهای ضدامپریالیست و مترقی بی‌تاثیر می‌دانیم، بلکه در مواردی نیز عملکرد پشتیبانی از آنها را به علت سیاست و سوابق کسه دارند. به زبان گسترش آن زمینه‌ها می‌دانیم.

* * * * *

ما در شماره آتی وضعیت و سیاست مجاهدین خلق و دیگر کاندیداهایی را که مورد حمایت قرار دادیم بررسی خواهیم کرد. ما در آن مقاله توضیح خواهیم داد که چرا و به چه دلایلی معینی ارائه لیست کاندیداتوری پیشنهادی سازمان را به سود جنبش کمونیستی و هم چنین به سود جنبش ضدامپریالیستی، دمکراتیک خلقهای ایران دانستیم.

سوسیالیستی است؟ بعلاوه در آن برنامه به جای "سوسیال امپریالیسم" از واژه "کشور روبریونیستی" نام برده شده است. فراموش کردن جدیدالولاده‌ای در فرهنگ مارکسیستی. همانگونه که در گذشته نیز گفتیم این سازمان دارای بینش ایدئولوژیک النقطی و دوگانه است. بینش بیکساز نمی‌تواند به همین صورت ادامه یابد. این طرز تفکر لزوماً و ضرورتاً شکسته می‌شود. آنها هرکجا که می‌خواهند از سوسیال امپریالیسم را در عمل پیاده کنند. موضع "سه جهانبان" را خواهند پذیرفت. "سه جهانبان" با "سوسیال امپریالیسم" تنها در حرف تفاوت می‌کند. در عمل این دو تفاوتی باهم ندارند و بینش و تفکر بیکساز مجبور است بالاخره تکلیف خود را روشن کند یا موجودیت اردوگاه سوسیالیستی و انترناسیونالیسم پرولتاریائی را بپذیرد یا به یک جریان سه جهانی تبدیل شود و با مارکسیسم و جنبش طبقه کارگر بطور کامل وداع گوید. ما به همان اندازه که در اساسی ترین مسائل مربوط به جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و در کلی ترین مرز بندی‌ها با سازمان بیکساز اختلاف اصولی داریم، به همان اندازه هم فکر می‌کنیم که رد این تر می‌تواند با توجه به سیاست و خط مشی فعلی بیکساز. این جریان را با خط سازمان ما نزدیک سازد، به گونه‌ای که اگر تر اجتماعی سوسیال امپریالیسم مانع نبود، ما رای دادن به این سازمان و حمایت از آن و همکاری نزدیک تر آن را مشخصاً به سود جنبش کمونیستی می‌شمردیم.

دوم - راه کارگر خط ۴

مواضع سیاسی این جریان به اعتقاد ما غلط و آشفته است. راه کارگر مبارزه با طرفداران ولایت فقیه و عقب ماندگی فرهنگی خرده بورژوازی سنتی را مضمون عمده مبارزه خود می‌شمارد و ما مبارزه با جریان‌های سرمایه داری (لیبرالی و مونوپولیست) را عمده می‌شماریم. آنها شعار "مرگ بر ارتجاع" می‌دهند و منظورشان از ارتجاع همان عقب ماندگی فرهنگی خرده بورژوازی است. آنها فقط نام ارتجاع طبقاتی را تکرار می‌کنند بدون آنکه واقعا "ارتجاع" مورد نظر ایشان ارتجاع طبقاتی باشد. ارتجاع طبقاتی خط ۴ ارتجاع طبقاتی به مفهوم علمی آن نیست. منظور ایشان از "ارتجاع طبقاتی" طبقه سرمایه دار ایران و امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکایی است. آنها معنای جعلی برای مفهوم ارتجاع طبقاتی تراشیده‌اند. آنها این مفهوم را وسیله و بهانه‌ای برای توجیه عمده کردن مبارزه با جریان‌های خرده بورژوازی محافظه کار قرار داده‌اند.

راه کارگر حاکمیت را یک کاسه می‌کند و تمام آن را ضد خلقی می‌بیند. این جریان در تبلیغات خود هیچ خط و مرزی بین حاکمیت کنونی و رژیم شاه در ذهن توده‌ها ترسیم نمی‌کند. روی همین حساب راه کارگر مبارزه علیه روحانیت حاکم (پیرو خط امام) را وجه عمده مبارزه خود می‌شمارد نه مبارزه با امپریالیسم و طبقه سرمایه دار را. خط ۴ مبارزه طبقاتی خرده بورژوازی علیه امپریالیسم را باور نمی‌کند و آن را خدعه و فریب می‌انگارد.

خط ۴ با یک کلمه بویولیستی "ضد خلق" همه جریان‌هایی را که در یکساله اخیر در حاکمیت سیاسی دست داشته‌اند، در کنار امپریالیسم قرار می‌دهد. سیاست راه کارگر یک سیاست لیبرالی است. آنها همان شعارهای لیبرال‌ها را به عینه تکرار می‌کنند. البته خط ۴ هم مثل مجاهدین خلق معتقد است گرچه ممکن است نتایجی بین شعارهای آنها و شعارهای لیبرال‌ها وجود داشته باشد، اما لیبرال‌ها از دادن آن شعارها قصد دیگری دارند و آنها قصد دیگری!

راه کارگر با یک کلمه گنگ و مبهم "ضد خلق" خود را از شر تحلیل بیچیدگی‌های موقعیت کنونی، تحلیل شرایط مشخص، از درک مسائل مرم مبارزه و انقلاب و از نقیض وظایف بسیار حیاتی کمونیست‌ها در قبال طبقات راحت کرده است. شک و بدبینی و باس تاریخی خرده بورژوازی که همه چیز و همه کس را علیه خود می‌بیند، در گفتار و کردار خط ۴ موج می‌زند. خط ۴ دیالکتیک مبارزه طبقاتی نیست. خط کج بینی هستی موجود از خرده بورژوازی است. تبلیغ باس و شکست و ناکامی در مبارزه با امپریالیسم و دیکتاتوری از سر و روی تبلیغات خط ۴ می‌بارد. خط ۴ به مردم اینطور می‌فهماند که شکست خرده‌اند، هیچ چیز به دست نیاورده‌اند، همه سران آنها را شیره‌مالیدند و وضع را از اولش هم بدتر کردند. فاشیسم آمده است.

خط ۴ فکر می‌کند مردم حاشان از دست دژخیمان حاکم که فقط به زور گلوله مردم را آرام نگاه داشته‌اند به لب رسیده است. خط ۴ تبلیغ ملاحظه را با چکمه‌های افسران اس اس مقایسه می‌کند و روحانیت خط امام را مدل دیگری از نازی‌های آلمانی به شمار می‌آورد.

راه کارگر وقتی در عرصه تحریکات تئوریک قرار می‌گیرد با گروه اشرف و با بینش گذشته سازمان بیشترین تضاد را احساس می‌کند. اما وقتی مسائل مشخص، تحلیل مشخص از اوضاع مشخص مطرح می‌شود، در عرصه سیاست قلباً تفاهم و نزدیکی بسیار با آنها احساس می‌کند. دعوی آنها بر سر سیاست و مواضع سیاسی نیست، بر سر اصولی است که گویا به این اوضاع و احوال مشخص مربوط نیستند. سیاست هر دو آنها عمیقاً مورد ستایش و احترام جبهه دمکراتیک ملی و سازمان مجاهدین خلق است و از لحاظ مضمون با سیاست احزاب سوسیالیستی لیبرال هم سواست.

راه کارگر فکری کند که بینش و تفکر جدا از توده گذشته را کنار گذاشته است. حال آنکه تحلی سیاسی همان تفکر

"پرخاشگرانه و بویولیستی و غیرعلمی"، همان اعتراض بی‌فرحام خرده بورژوازی، همان دوری حستن از واقعیت‌ها، ندیدن وضعیت عینی مبارزه طبقات و توده‌ها، همان سیر کردن در رویاها هنوز هم که هنوز است راه کارگر را در چنگ خود دارد. رفقای راه کارگر فکری کنند وقتی خودشان فهمیدند توده‌ها هم باید فهمیده باشند و در غیر این صورت پیشرو باید حرف خودش را بزند و راه خودش را برود و کاری به کار سطح آگاهی و اشکال حرکتی آنها نداشته باشد.

در عین حال خط ۴ خطی است که واقعیت‌های موجود را نمی‌بیند و از قدرت توده‌ها و پیروزی‌های آنها بی‌خبر و بدور است و بدون قرار گرفتن بر بستر مبارزه در حال گسترش طبقات در جنبش توده‌ای، بدون درک وضعیت عینی آن مبارزه طبقاتی که میلیون‌ها توده مردم در آن شرکت دارند این خط هرگز قادر نخواهد بود درک کند که چرا ما می‌گوئیم بینش جدا از توده‌اندیشه و عمل وی را فرا گرفته است. خط ۴ هنوز هم در هوا سیر می‌کند.

ما هر قدر که از مسائل مشخص به سوی مسائل کلی از * ما "حزب توده" را بزرگترین خطر انحراف از اصول و خط مشی انقلابی در جنبش کمونیستی ایران به شمار می‌آوریم. نه ما و نه سایر کمونیست‌ها نمی‌توانند و نباید این "حزب" را تقویت و حمایت کنند.

مسائل مجرد و عام به سوی مبانی ایدئولوژیک سیر می‌کنیم یا راه کارگر نزدیک ترمی شویم. در مقولات عام مارکسیستی و بویولیزه در نگرش نسبت به جنبش جهانی کارگری و کمونیستی دیدگاه‌های ما نزدیک است اما وقتی همان دیدگاه‌ها در ارتباط معین و مشخص با مسائل مشخص جنبش کمونیستی و کارگری ایران مطرح می‌شود. ما و خط ۴ موضع گیری متضاد خواهیم داشت.

سوم - حزب توده

این "حزب" بعد از حدود ۴۰ سال فعالیت، "حزبی" که قدیمی ترین حزب سیاسی موجود است، هنوز هم هیچ پایگاه و نفوذی در میان توده‌ها ندارد. اینها که مدعی حزب طبقه کارگر هستند نه از کارگر و زحمتکش بوئی برده‌اند و نه بعد از ۴۰ سال در هیچ کجای ایران توانسته‌اند مبارزه مردم را سازمان دهند. میان روشنفکران انقلابی نیز نه تنها "توده‌ایها" هیچ نفوذی ندارند بلکه همه حا با حسم و تنفر آنها روبرو بوده‌اند و هستند.

حزب توده بعد از کودتای ۲۸ مرداد، یعنی بیش از ربع قرن است که عملاً متلاشی شده و قدرت بسیج توده‌های خود را از دست داده و بقایان آن هم طوسی این مدت باز چه دست دستگاه‌های پلیسی بوده است، خیانت و تسلیم طلبی و ورشکستگی این حزب بطور عمده از همان اپورتونیزم بیکساز و ایدئولوژی حاکم بر حزب توده ناشی شده است.

حزب توده به اصول عام مارکسیسم - لنینیسم پای بند نیست حزب توده آن بخش از اصول عام را که در تئوری نقض نکرده است، در عمل زیر پا می‌نهد. "توده‌ایها" گرچه در حرف از منطق کردن حرکت پیشرو با توده مردم دم می‌زنند، اما در عمل بیش از پیش به منطق کردن حرکت خود با سیستم حکومتی و به ویژه به نفوذ در ماشین حکومتی بها می‌دهند و فکر می‌کنند. آنها در عمل حتی از سیستم حاکم هم در بسیاری موارد عقب مانده‌ترند. انحرافات اساسی حزب توده از اصول موجب شده است خط مشی و سیاست آن نیز بیش از دیگران به زبان انقلابیون کمونیست و جنبش کمونیستی ایران تمام شود. "حزب توده" تبعیت از خرده بورژوازی محافظه کار و عقب مانده و تاریک اندیش را هم استراتژی و هم وظیفه عمده و مرم خویش می‌سازد. "حزب توده" دنباله روی از عقب مانده ترین توده‌ها و انعکاس تمایلات آنها را پیشه کرده است. حزب توده در یکساله اخیر همواره از لزوم سپردن ابتکار عمل به دست خرده بورژوازی سنتی دفاع کرده است. این سیاست حزب توده به ویژه در یکساله اخیر همواره با تعجب و شگفتی و ناباوری خرده بورژوازی روبرو بوده است.

"حزب توده" در تمام موارد در یکسال گذشته برای نزدیکی به خرده بورژوازی علیه انقلابیون کمونیست، دشنام گوئی و تهمت پراکنی و سم پاشی کرده است و در هیچ موردی نه تنها با جنبش کمونیستی ایران همراه نبوده بلکه با عناصر و جریان‌های سرکوبگر در تمام زمینه‌ها، به ویژه تظاهرات و میتینگ‌ها، در جنگ کردستان و وقایع اخیر کنید همکاری عملی و نزدیک شدن به آنها از هیچ گونه کینه توزی و دشمنی موزورانه علیه فدائیان خلق و سایر نیروهای انقلابی فروگذار نکرده است "حزب توده" برداشتی دنباله‌روانه و غیرعلمی از روابط احزاب کمونیست با یکدیگر دارد. حزب توده در عرصه جهانی تبعیت از احزاب کمونیست دیگر را می‌پذیرد و می‌کوشد این تبعیت را به عنوان پایبندی به انترناسیونالیسم پرولتاری، به کمونیست‌ها قالب کند. "حزب توده" به همستگی احزاب و انقلابیون کمونیست نمی‌اندیشد. این حزب مبلغ و مروج دنباله‌روی است. این حزب برای پیشبرد استراتژی خود قبل از آنکه به بسیج مردم و در راس همه تربیت و شکل طبقه



برای تقویت صف نیروهای
ترقی خواه و ضدامپریالیست
به این کاندیداهای دهیم

اسامی کاندیدهای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در تهران	کد	اسامی کاندیدهای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در تهران	کد
۱- مصطفی عدلی	۳۵۶	۱۲- علی محمدشند	۸۸
۲- حشمت الله زکری	۱۷۰	۱۳- مهدی ابریشچی	۸
۳- علی محمد فوجده	۲۸۶	۱۴- محمد عسلی	۳۷۲
۴- مراد انصاری	۱۵۱	۱۵- پرویز بفتوی	۳۲۲
۵- مسوره احمدزاده	۸	۱۶- حاج محمد علی محمدی	۳۵۸
۶- عاطف الله بزمیان	۷۷	۱۷- حاجی محمد علی محمدی	۱۷۵
۷- بهجت الله طیب غفاری	۲۲۲	۱۸- آنته الله علی محمدی	۳۲۹
۸- سعید سلطانی	۲۰۲	۱۹- طهرنا جعفری	۹۹
۹- مهدی حاج قاضی تهرانی	۱۱۲	۲۰- احمد رضا کریمی جعفری	۳۲۱

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
۱۳۵۸ اسفند



پس از مناظره تلویزیونی، سازمان در کنفرانس مطبوعاتی ۱۳ اسفند اعلام کرد:

همه حقایق را به مردم خواهیم گفت

کسی که حقایق ترور توماج و هم‌زمان را به مردم نمی‌گوید شریک جرم است

پاسخ:
"این اطلاعیه را آقای ارزانش رهبر مذهبی خلق ترکمن نوشته بودند ایشان مذهبی هستند و آیه‌های از قرآن آورده بودند. ستاد شوراها نیز به مذهب مردم احترام می‌گذارد و این حق را برای توده مردم قائل است که با عقاید خودشان زندگی کنند و مراسم مذهبی‌شان را بسطه جای آورند."

سپس رفقا توضیح دادند که چگونه بنی‌صدرحرف خود را در مورد داستان جعلی پیرامون نحوه شهادت رفقا توماج و هم‌زمان پس گرفت و گفت: "من گفتم تمام مطبوعات اینطور گفته‌اند."
رفیق توضیح داد:
"در حالی که بنی‌صدرقبلا گفته بود

"دو گروه چریکی که جنگ را لازم می‌دانستند باید یکدیگر برخورد داشته و گروهی افراد گروه دیگر را کشتند" اما بنی‌صدر مجبور شد این داستان را پس بگیرد. اکنون آقای رئیس جمهور هیچ پاسخی در مورد مسیبت این واقعه و کسانی که دستور این جنایت را داده‌اند، ندارند. همه مردم منتظرند ببینند آقای بنی‌صدر کس می‌گوید ما پای حرفمان هستیم در این مورد پای حرفشان هستند یا نه؟

سؤال:
چرا ستاد شوراها به بعضی از مردم آنجا فشار آورده و گفته که اگر فلان کار را نکنید و یا اگر ستاد نیاید با شما طور دیگری رفتار خواهد شد؟

پاسخ:
- ستاد فشار می‌آورد ولی به چه کسی؟ به فتوادل‌ها، به زمینداران بزرگ، به عناصر مرتجع محلی.

سؤال:
در مورد انتخاب اعضای شوراها توضیح دهید. استانداران و استانداران گفته بودند که در بعضی از مناطق از یک روستای ۷۰۰ نفری هشت نماینده انتخاب شده بود.

پاسخ:
کسانی که نمایندگان را (با رای مخفی) انتخاب کرده‌اند چطور می‌توانست اسم و مشخصاتشان در لیست باشد؟ اسم هیأت نظار را در رادیو تلویزیون خواندند به اسم اسامی رای دهندگان و جارجو جناح راه انداختند.

سؤال:
شما در یک سال گذشته چنه کرده‌اید؟

پاسخ:
آنها کاری کرده‌اند که در هیچ‌جای ایران اتفاق نیفتاده. شوراها واقعی دهقانی را در ۴۰۰ پارچه آبادی ایجاد کرده‌اند و مشترکا به کار کاشت و برداشت پرداخته‌اند. اینها نمونه‌ای از شوراهای واقعی دهقانی در مین ما بود. این کاری بود که نه ما، دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا با رهبری ستاد شوراها کرده‌اند.

سؤال:
در تلویزیون مطرح کرده‌اند ستاد شوراهای خلق ترکمن آمادگی جنگ داشته یا نه؟

پاسخ:
این آقایان حق دارند که فکر می‌کنند مردم ما نمی‌توانند در صفت بسیار کوتاه سگر سازی کنند. این آقایان در قیام تهران نبودند. اگر بودند می‌دیدند که چطور در عرض یک ساعت سنگرها ساخته شد. این آقایان خلایق توده‌ها را ندیده‌اند و نمی‌شناسند.

در اینجا یکی از رفقا درباره طرز برخورد جریان‌های دیگر باوقایع گنبد توضیح داد:

"نیروهائی هستند که وقتی ورق برگشت و حقانیت نیروهای انقلابی در معرض افکار عمومی و فضیلت توده‌ها قرار گرفت آن وقت آنها هم سرتکان می‌دهند و تأیید می‌کنند.

بقیه در صفحه ۱۳

واقعی و دشمنان خود را بشناسند. از این رو بعد از پخش مناظره سازمان از نمایندگان مطبوعات و رسانه‌های گروهی و نمایندگان سازمان‌ها و جمعیت‌ها دعوت کرد تا با شرکت در یک کنفرانس عمومی، پاسخ سوالاتی را که در رابطه با مناظره برای مردم مطرح است، از زبان مسئولین سازمانی بشنوند. این کنفرانس در حضور هزاران نفر از هواداران سازمان که با شور و شوق بسیار به سالن سینمای دانشکده پزشکی دانشگاه تهران آمده بودند، برگزار شد. استقبال هواداران از این جلسه بقدری زیاد بود که مسئولین تدارک کنفرانس مجبور شدند برای استفاده از هواداران از مباحثی که مطرح می‌شد، در سراسرهای اصلی دانشکده و محوطه حلوی آن هم بلندگو نصب کنند.

در خدمت دستگاه حاکمه هستند و باید بطور کلی این جریان را مورد تحلیل قرار داد نه اینکه تعدادی از آنها را مورد نظر قرار داد و باعث توهم توده‌ها شد.

در پاسخ به دو سؤال مذکور گفته شد:
"بله، کاملاً درست است. در صورتی که حاکمیت تثبیت شده باشد، ما نمی‌توانیم بگویم که جناحی از حاکمیت یا افرادی از حاکمیت در ارگان‌های دولتی قرار دارند، آدم‌های خوبی هستند و جناح دیگر بد جناح خوب را مورد تأیید قرار داده و جناح دیگر را مورد حمله و ولی اینکه آیا حمله به راهپیمایی از قبل سازمان یافته بوده یا نه، مسلماً توسط همان رهبران سپاه پاسداران، همان جناحی که قبلاً صحبت شد که می‌خواسته است درگیری ایجاد کند. برنامه‌ریزی شده بود. آنها تلاششان این بوده که ستاد خلق ترکمن را مهیوم کنند."

رفیق افزود:
"بهتر است بگوئیم جناح فاشیستی سپاه پاسداران و ما بهتر بود دیشب می‌گفتیم آن جناح فاشیستی سپاه پاسداران."

خبرنگاری از آلمان غربی سؤال کرد: "چه رابطه‌ای بین واقعه گنبد و انتخابات مجلس شورای ملی بسوده است؟"

پاسخ:
ما قبلاً در روزنامه کارگر پیش‌بینی کرده بودیم که برخی از جناح‌های درون سپاه پاسداران و هیئت حاکمه در گذشته هم کوشیدند نظراتشان را تحمیل بکنند، اینها بدون شک از درگیری در گنبد سود می‌برند. و اعلام کرده بودیم که البته تهاجم به ستاد شوراهای خلق ترکمن می‌شود. دیر با زود، اما اینکه این زمان انتخاب شده، بی‌دلیل نیست و به احتمال زیاد می‌تواند به انتخابات هم مربوط باشد."

توضیح داده شد:
"رفقای ما، فدائیان شهید، توماج و مخنوم در انتخابات مجلس خبرگان بیش از ۱۳۰/۰۰۰ رای آوردند و طبیعی بود که در انتخابات مجلس حتماً انتخاب می‌شوند. آنها ۹۹ درصد آراء خلق ترکمن را آورده بودند بنا بر این همانطور که رفیق اشاره کرد این مسئله‌ای ارتباط با انتخابات نبوده است."

رفیق دیگری در این مورد اضافه کرد:
"و این مسئله هم بی‌سابقه نیست در ۶ فروردین، ۴ روز قبل از فرزندم باز هم به میتینگ مردم گنبد حمله مسلحانه شد. در روزهای انتخابات مجلس خبرگان به کردستان یورش بردند و اکنون هم در آستانه انتخابات مجلس شورا، این فاجعه را به مردم ترکمن صحرا تحمیل کردند."

خبرنگار نبرد دانشجو پرسید:
"جناح‌بندی‌های درون سپاه پاسداران چگونه است؟"

خبرنگار دیگری نیز در این زمینه پرسید:
"رفقا در مصاحبه دیشب بطور کلی و در ارگان سازمان از جناحی از سپاه پاسداران دفاع کردند. در صورتی که می‌بینیم آنها

مناظره تلویزیونی سازمان با بنی‌صدر و همکارانش در سطح ایران و بسیاری از کشورهای جهان وسیعاً انعکاس یافت. فردای روز مناظره در همه جا بحث برنامه دیشب بود. اولین بار بود که سازمان از طریق تلویزیون برای مردم میهنمان توضیح می‌داد که چه کرده‌است و دیگران چه کرده‌اند. اما وقت محدود و تراکم مسائل باعث شده بود که بسیاری از سئوال‌ها بی‌پاسخ بماند. ما همانطور که در مناظره گفتیم، حاضرم و حاضر خواهم بود در مورد مسائل گنبد و ترکمن صحرا به هر سئوالی که در این زمینه مطرح می‌شود. برای مردم توضیح دهیم تا آنها حقایق را بدانند و بر اساس آن دوستان

دیگر مطرح شده‌است"
خبرنگاری سؤال کرد:
- به نظر شما سرنوشت شوراهای دهقان چگونه خواهد بود؟

پاسخ:
"خوب مسلماً جنگ‌هایی که به مردم ترکمن صحتا تحمیل شده، در واقع حمله‌ای است به شوراها و این بحثی نیست اما دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا به راحتی سنگر شوراها را حالی نمی‌کنند، اینها از شوراهای واقعی‌شان دفاع می‌کنند و حفظشان می‌کنند. ما فکر نمی‌کنیم که شوراهای دهقانی مردم ترکمن صحرا بتوانند نادیده گرفته شود. ستاد شوراهای دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا عملاً نماینده مردم ترکمن صحرا است و مردم ترکمن صحرا بیکارچه از آن دفاع خواهند کرد. این شوراها خواهند ماند حتی اگر به رسمیت شمرده نشوند."

در مورد خلع سلاح سؤال شد.
یکی از رفقا پاسخ داد:
"ما می‌گوئیم مردم باید تصمیم بگیرند نیروهای توده‌است که باید مسلح باشد و از مراکز دفاع بکند یک توده باید مشکل باشد با ستاد سازمان یافته باشد از چه طریق؟ از طریق شوراها. ما باید در فرآیند خودشان مطرح کنیم که مردم آسایش موافقت شوراهای دهقانان، شوراهای کارگران، شوراهای مردم زحمتکش مسلح باشند یا نه؟ مردم باید مسلح باشند که در شوراها مشکل می‌شوند باید مسلح باشند و از منافع خودشان در برابر تجاوزها دفاع کنند. ما مسئله را بطور صریح مطرح کردیم و گفتیم تنها نیروی مسلحی که می‌تواند از منافع خلق در برابر امپریالیسم، از منافع طبقه کارگر در برابر سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ دفاع بکند، شوراهای مسلح مردم هستند."

در ادامه این پاسخ گفته شد:
ما پیشنهاد می‌کنیم اگر می‌خواهید قضاوت مردم را ببینید، بسیار خوب. بگذارید تمام نیروهای انقلابی، تمام سازمان‌های مترقی و نظرات را در مورد مسلح بودن توده‌ها و خطری که توده‌ها را تهدید می‌کنند، مطرح کنند و در پایان این فرآیند گذاشته شود و از مردم سؤال بشود که آیا توده‌ها باید در مقابل امپریالیسم مسلح باشند یا نه؟ امپریالیسم مسلح باشند یا نه؟ آن وقت ما قبول می‌کنیم."
در پاسخ این سؤال که چرا خلق‌های غیر ترکمن در شوراها عضویت ندارند گفته شد:
"خیر. اینطور نیست شوراهائی هستند که عضو اتحادیه شوراها هستند. از جمله اتحادیه شرکت صحرا که یک مجمع کشاورزی است. از جمله شوراهای روستای قره چشمه، دیلمه سالیان و روستای ناتار علیا. همان شورائی که با فداکاری فدائی شهید جرجانی در خدمت آرمان و اهداف دهقانان زحمتکش درآمد. روستای ایگدرسغلی مشکل از زبلی، بلوچ و ترک‌است."

یکی از رفقا در مورد این سؤال که

یکی از رفقا در مورد این سؤال که

یکی از رفقا در مورد این سؤال که

یکی از رفقا در مورد این سؤال که

ابتدا یکی از رفقا چنین توضیح داد:
"مناظره تلویزیونی دیشب از نظر ما یک پیروزی است برای خلق مبارز ایران، بعد از یکسال که از قیام می‌گذرد، ما برای نخستین بار توانستیم تا آنجائی که امکان پذیر بود، صدایمان را به گوش مردم برسانیم. این پیروزی، پیروزی شما، پیروزی نیروهای مبارزی است که در یکساله گذشته لحظه‌ای در راه آرمان زحمتکشان از پای ننشستند."

ما از رفقای فدائی که اینجا هستند، می‌خواهیم نتایج مناظره را بررسی و بکنند به میان توده‌ها برونند و راهگشای آن تلاشی باشند که امروز سازمان در باره آن حرف می‌زند: رفتن به میان توده‌های میلیونی میهن و نقاط ضعفی که مناظره داشته به سازمان گزارش کنند. مسائلی که برای توده‌ها مطرح شده و به هر ترتیبی که می‌توانند به سازمان برسانند و فعالانه در بحث‌هایی که درباره این مناظره تلویزیونی است، شرکت کنند. سپس یکی دیگر از رفقا گفت:

ارزو می‌کنیم که همه مردم میهن به ترکمن صحرا بروند و حاصل مبارزات توده‌های دهقانی را ببینند تا ثابت شود حقانیت تاریخی از آن کیست، ما با آنها؟ که چندی جنگ افزوری می‌کند و چه کسی در فکر صلح است؟ بی‌شک حقانیت تاریخی از آن نیروهای است که برای رفع ستم طبقاتی و ایجاد جامعه‌ای بدون از ظلم و ستم مبارزه می‌کنند. او سپس به مناظره تلویزیونی اشاره کرد و گفت:

بعنوان مناظره اطلاعات جدیدی به دست ما رسیده که به آن اشاره می‌کنیم. تحقیقات محلی که به عمل آمده در مورد این جنایت ددمناسانه حاکی از آن است که رفقا را با یک آمبولانس سفید حدود ساعت ۱/۳۰ تا ۲ بعد از ظهر روز دوشنبه ۲۹ بهمن آوردند و زیر آن بل‌رها کردند و رفتند. همراه آنها یک ماشین سپاه مدل بالا بود. بعضی از سئود هم ماشینی دیگری را همراه آنها (بیکان) گزارش دادند. افراد مسلح هم با لباس شخصی و با لباس ارتشی در محل دیده شدند. یکی از خبرنگاران پرسید:

"رئیس جمهور دیشب در مناظره تلویزیونی بدین ترتیب فاجعه ترور رهبران شوراهای دهقانی مردم ترکمن صحرا بیکاری نبود. در این مورد آیا شما هم در مورد نحوه بیکاری بی‌سپهاند دارید؟"

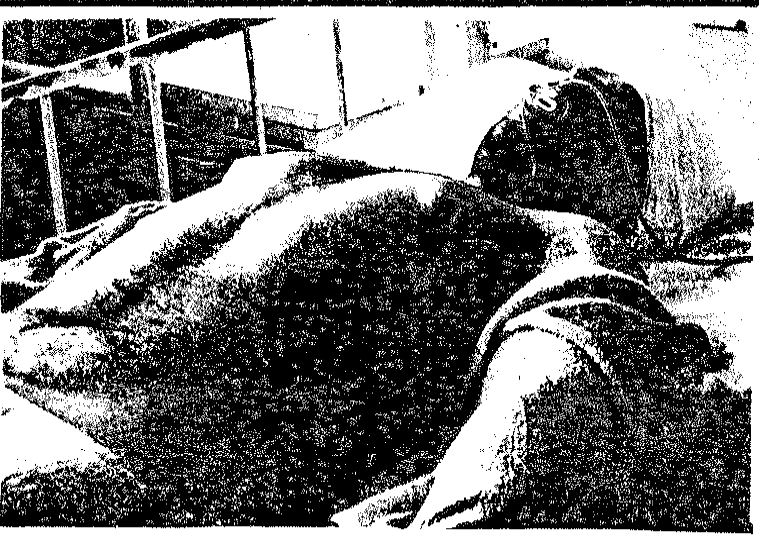
رفیق پاسخ داد:
"ما پیشنهاد کردیم که نمایندگان از شوراهای واقعی کارگران و دهقانان میهن با نمایندگانی از نیروهای سیاسی انقلابی مترقی و کلاً و قنات برانگیز مردم اعتماد مردم هیئتی تشکیل بدهند و این جنایت فجع را مورد بررسی قرار بدهند. آقای رئیس جمهور روشن نکردند که این پیشنهاد را بپذیرند. آقای رئیس جمهور گفتند که ما بیکاری می‌کنیم."

پاسخ:
بکنم که کسی که افکار عمومی را به انحراف می‌کشد در چنین حقایقی دست دارد و کسی که حقایق را به مردم نمی‌گوید شریک جرم است. آن کسی که دستور میدهد، آن کسی که اجرا می‌کند. آن کسی که حقایق را تحریف می‌کند. همه شریک جرم‌اند"

سؤال - پاسداران به لیستی اشاره کردند که شما اقدام به شناسائی افراد ارتشی کرده‌اید. پاسداران با این حرف چه می‌خواهند بکنند
"دولت اعلام کرده بود که پرسنل می‌توانند به زادگاهشان برگردند و در این کار ستاد پیشگام شده بود و اسامی را جمع‌آوری کرده بود که شرایطی فراهم کند که پرسنل به زادگاه خودشان و به منطقه خودشان اعزام شوند و این حق سازمان است و این مسئله در کردستان و جاهای

بنی صدر عاملین ترور توماج و هم‌زمان را می‌شناسد اما آنها را به مردم معرفی نمی‌کند

* تمام انقلابیون باید با استفاده از کلیه امکانات به مقابله با باندهای سیاه برخیزند.



داود امیراحمدی در جریان یورش باندهای سیاه تروریست به راهپیمایی روز پنجم شب به شهادت رسید. فانتلین هم اینک در تبریز آزادانه به نمایش قدرت مشغولند!

پیام مادر فدائی شهید توماج به مردم قهرمان میهن

مردم قهرمان میهن!
من از ده یولمه سالیان با شما صحبت می‌کنم. پس‌مردم توماج را کشتند! عوامل مزدوری که سابقا نیز وجودشان را در تمام فضای ده و تمام منطقه ترکمن صحرا احساس می‌کردم، توماج را کشتند.

من با تمام قدرتم که قدرتی ناچیز از مادری است که فرزند انقلابی خود را از دست داده است، فریاد خود و خلق تحت ستم ترکمن را به گوش جهانیان می‌رسانم و از شما نیز می‌خواهم که در این امر مهم مرا یاری دهید. از شما می‌خواهم که تا توان دارید، در افشای سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم و زمین‌داران بزرگ بکوشید. تا آن‌جا که به خاطر دارم توماج جهت افشای این مزدوران و نیز به علت فداکاری در راه زحمتکشان بارها به زندان رفت. به خاطر می‌آورم روزهایی را که وی در زمان رژیم منفور پهلوی در زندان بود خواهراش جهت گذران زندگی شب و روز را به قالیبافی مشغول بودند.

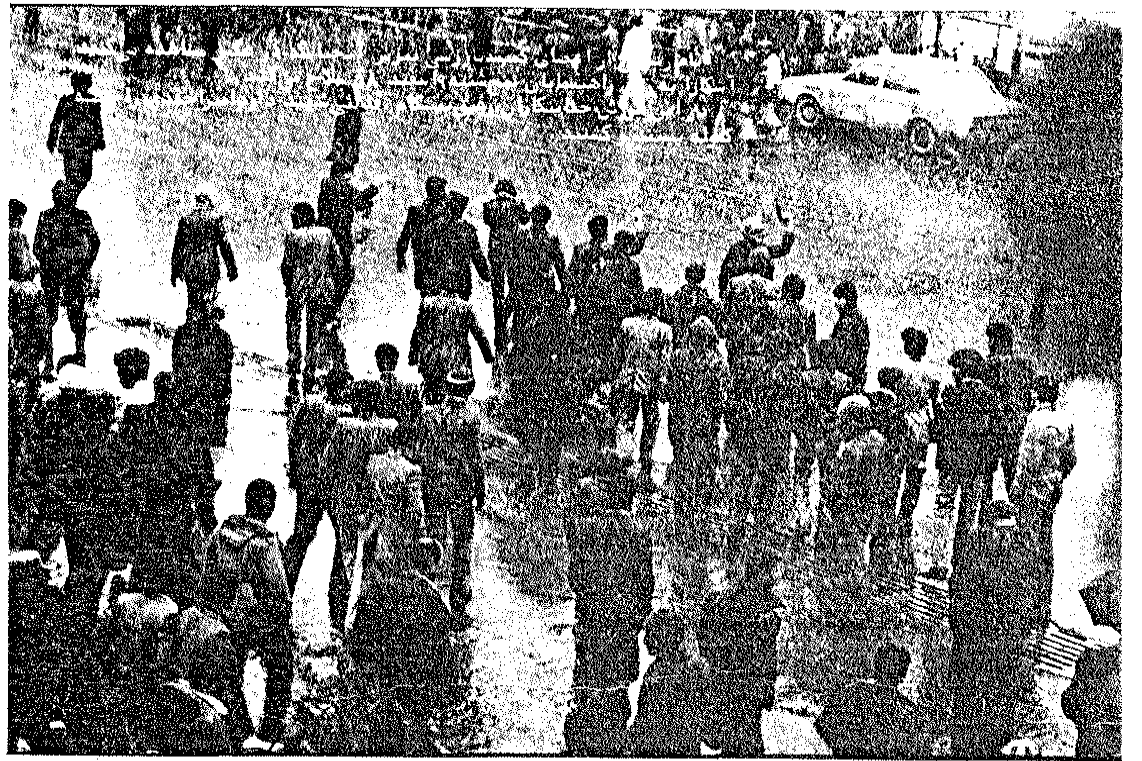
توماج بی‌باک و دل‌آور، برای تحقق خواسته‌های زحمتکشان ایران به‌ویژه ترکمن صحرا شب و روز برایش تفاوتی نداشت اینک فرزند دل‌آورم همچون فرزندان قهرمان دیگری که در گوشه و کنار مملکت توسط به‌قدرت‌خزیده‌های امروزی به شهادت می‌رسند در قلب تمام مردم ایران زنده است. اینک از هر قطره خون توماج هزاران فدائی دیگر چون توماج در ترکمن صحرا و سراسر ایران روئیده است. مرگ بر زمین‌داران و سرمایه‌داران بزرگ شعار هر ترکمن، صلح، زمین، آزادی

راهپیمایی زده بودند - مورد حمله مسلحانه او با ش که اکثر پاسداران مورکمیته شده بودند قرار گرفتند. آنها صف تظاهرکنندگان را به گلوله بستند. آنها داود امیراحمدی رفیق پیشگام فدائی شهید را که در صف تظاهرکنندگان بود هدف گلوله کلت قرار دادند و به شهادت رساندند. آنها یکی از دختران پیشگام را نیز با قمه مورد حمله قرار دادند و ورپه او را شکارفتند. آنها دهان فخر دیگر را در این یورش زخمی کردند. آنها هم اینک آزادانه می‌گردند.

شکار و شکنجه و شهادت رفیق فدائی سعید عقیقی توسط "کیمته‌چی‌ها" کرمانشاه صورت گرفته است. رفیق پیشگام فدائی شهید سعید عقیقی در روز سه‌شنبه ۱۶ بهمن ماه ۵۸ بعد از اتمام ساعت درس دانشکده وقتی که به سوی خانه‌اش می‌رفت توسط چند نفر مسلح ربوده شد و پس از ۲۰ روز

راطراحی می‌کنند. بنی صدر رئیس جمهور در عمل نه تنها ظاهر سازی می‌کند، او نه تنها تاکنون هیچ اقدامی برای پیگرد جنایتکاران به عمل نیاورده است، نه تنها به وظایف قانونی خود تا امروز یک سرسوزن هم عمل نکرده است، بلکه اعلام این‌که توماج و هم‌زمانش را می‌باید پس از محاکمه تیرباران می‌کردند، جنایتکاران و جناح‌های فاشیستی را مورد تشویق و تأیید قرار داده است. بنی صدر تمام حقایق در این زمینه را می‌داند. او در حالیکه خودش خیلی خوب می‌داند که جنایت توسط پاسداران صورت گرفته است، در حالی که می‌داند چه کسانی دستور ترور رهبران شوراهای ترکمن صحرا را صادر کرده است، از معرفی این جنایتکاران به مردم خودداری می‌کند. رئیس جمهور جنایتکاران را در پناه خود گرفته است.

هر روز که می‌گذرد ابعاد فعالیت باندهای سیاه دامنه گسترده‌تری می‌یابد. آنها بدون محابا انقلابیون را ترور می‌کنند، به میتینگ‌ها یورش می‌آورند، مردم را به گلوله می‌بندند و می‌کوشند با این اعمال جنایتکارانه و فاشیستی خود آزادی‌های دموکراتیک را از میان بردارند. آنها انقلابیون کمونیست را شکار می‌کنند و زیر شکنجه‌های وحشیانه‌ترین و دردناک‌ترین شکنجه‌های شهادت می‌رسانند آنها به پشتوانه حمایت‌هایی که در دستگاه‌های حکومتی از آنها به عمل می‌آید بی‌پروا و گستاخانه سلاح به دست "به‌نمایش قدرت" می‌پردازند و جامعه را عرصه یکه‌تازی خود کرده‌اند. کیفیت سازماندهی و تشکیلات و نحوه برخورد دستگاه‌های حکومتی با آنان به وضوح بیانگر ارتباط‌های گسترده‌شان با دستگاه‌های حکومتی است. اصلا این



حسدش را که آثار سوختگی با سیگار، شکستگی استخوان، زخم‌های حاصل از ضربات دشنه، سوختگی به وسیله فندک و آب‌حوش، آثار ناشی از آویزان کردن به وسیله زنجیر و... در اندام بی‌جانش دیده می‌شد. در اطراف دریاچه سراب بی‌لوفر یافتند.

در قزوین چندین باندها بقیه در صفحه ۱۲

مهاجمینی که روز پنجشنبه ۹ اسفند ماه به راهپیمایی اعتراضی سازمان شاخه آذربایجان یورش آوردند، مشخصاً زیر رهبری "کمیته بازرسی تبریز" و پاسداران اعزامی از کسولگری آمریکا بودند. راهپیمایان تبریز که برای اعتراض به فاجعه ترور توماج و هم‌زمانش دست به

باندها جزئی از دستگاه حکومتی هستند. ۲۰ روز از فاجعه ترور توماج و هم‌زمان می‌گذرد و تاکنون هیچ اقدام موثری در دستگیری و مجازات عوامل این جنایت صورت نگرفته است. آنها سرپست‌هایشان در سپاه پاسداران هستند. و دزدانه می‌گردند و جنایت‌های دیگری

سانسور، دروغ و جعل حقایق را افشا کنیم



بی‌صدر عاملین ترور توماج و ...

بقیه از صفحه ۱۲

همه نیروهای ترفیخ‌سوا و وضامیرالیست است که به مقابله جدی با باند‌های سیاه اندیشه اقدام کنند چنانکه گفتیم دستگاه‌های حکومتی و در راس آن بنی صدر رئیس جمهور در عمل تنها ظاهر سازی می‌کند. او در برخورد با مهاجمان طوری انتقاد می‌کند که از هر تشویقی بالاتر است. سکوت در مقابل فاجعه ترور توماج و هم‌زمان و دیگر فجایعی که هسر روز در گوشه و کنار میهن اتفاق می‌افتد، معنایی جز مشارکت در فحایع و کشتار انقلابیون ندارد. رئیس جمهور با مانورهای سیاسی خود نشان می‌دهد که سرنیزه‌ها را برای سرکوب انقلابیون کمونیست صیقل می‌دهد و عملاً باند‌های سیاه را تشویق می‌کند.

در این شرایط چه باید کرد؟ بدون تردید تمام انقلابیون باید با استفاده از کلیه امکانات به مقابله با این باند‌های سیاه و اعمال فاشیستی آنان برخیزند. این باند‌ها که توسط باند‌های حاسوسنی و توطئه‌گری وابسته به امیرالیسم و طبقه سرمایه‌دار ایران سازمان یافته‌اند، نه تنها از محافل فاشیستی و تاریک اندیش غیر حکومتی تغذیه می‌کنند بلکه در بسیاری موارد از طرف جناح‌هایی از حکومت و برخی روحانیون مرتجع و ضد کمونیست و محافلی در درون سیاه پاسداران هدایت و سازماندهی می‌شوند و دستور می‌گیرند. پس از یک سال حنایت و تکرار اعمال و اقدامات فاشیستی ماهیت این جناح‌ها، محافل

سیاه سازمان یافته است که آشکارا هدف خود را شکار انقلابیون کمونیست اعلام داشته است. از این باند‌ها تاکنون دهها نمونه بیورش به اجتماعات، آتشزدن دفاتر سازمان‌های مترقی و انقلابی، به آتش کشیدن کتابخانه‌ها و شکنجه و بازداشت انقلابیون و نیروهای مبارز مشاهده شده است. حال این است که علیرغم این که افرادی سن باند‌ها و رهبران آن شناخته شده‌اند همچنان آزادانه به فعالیت مشغولند. گزارشی در دست داریم که حاکی از شکار انقلابیون کمونیست در حاده‌های بین شهرهاست. از جمله تاریخ ۱۹ بهمن ماه گذشته عده از مردم بین راه میان دو آب - مراغه توسط افراد کمیته مراغه بازداشت و تحت شکنجه‌های شدیدترین شکنجه‌ها قرار می‌گیرند بطوری که یکی از بازداشت‌شدگان در نتیجه شدت شکنجه‌های وارده تعادل روانی خود را از دست می‌دهد. در گیلان، مازندران، لرستان، جنوب، غرب، شرق، در هر کجای نمونه‌های فراوانی را می‌توان اسم برد. این همه نشانه‌های جدی بودن مساله و ضرورت اتحاد عمل نیروهای انقلابی و وضامیرالیست در مبارزه و مقابله فاطحانه با این باند‌هاست. اقدام با فرجام گروگان‌گیری آنچه کارکنان میتینگ روز جمعه ۱۷ اسفند ماه کیه گزارش آن در همین شماره درج شده است همدارند دیگری برای انقلابیون کمونیست و

توضیح :

با پوزش از خوانندگان به علت تراکم مطالب، درج بخش‌های باقی مانده مقالات "ده روز در بازداشت پاسداران" و "سه ناکتیک برخورد با خرده بورژوازی" در این شماره ممکن نگردید و چاپ آنها به شماره آینده موکول شد.

بقیه از صفحه ۱۶

فدائی شهید رفیق غلامرضا گلوی

پس از مناظره تلویزیونی،
سازمان در کنفرانس مطبوعاتی
۱۳ اسفند اعلام کرد:

همه حقایق را ...

بقیه از صفحه ۱۱

وظیفه رفقا و تمام نیروهای انقلابی است که این فرصت طلایی را که در دوران جنگ کردستان شاهدش بودیم و در جنگ گنبد هم نمونه‌های دیگری از آن را دیدیم برای مردم توضیح بدهند. "حزب توده" در ابتدای جنگ کردستان جوری برخورد می‌کرد که در مردم این توهم به وجود می‌آید که آن سازمان‌هایی که در کردستان می‌جنگند همدمست هم پیمانان پالیزبان ما هستند مصاحبه‌هایی هست، می‌شود مراجعه کرد. وقتی در کردستان پیروزی بدست آمد و صلح تأمین شد، موضعگیری آنها هم عوض شد و آن سازمان‌هایی که در کردستان مبارزه می‌کردند دوست از آب درآمدند در مورد ترکمن صحرا هم همینجور اعلامیه با اظهاراتی که مسئول این جریان در آنجا عنوان کرده و ببیند موضعگیری‌های دیگری که در این جریان به عمل آورده نشان می‌دهد که وقتی که حقایق ما ثابت شد آنوقت خودشان را همراه نشان می‌دهند نه قبل از آن. ما از مردم می‌خواهیم از هواداران می‌خواهیم یک بار دیگر نه تنها در مورد این جریان بلکه در مورد سایر سازمان‌هایی هم کسبه این شکل برخورد کرده‌اند، مطالعه بکنند تا شناخت دقیق‌تری از نیروها به دست بیاورند و ببینند کدام نیرو هنگامی که مردم احتیاج دارند، به کمک آنها می‌آیند و کدام نیرو وقتی احتیاج به کمک و افشاکاری هست، ساکت می‌مانند؟

سؤال:
در مناظره اشاره‌ای شد به ساختمان‌بوه افراد "حزب توده" لطفاً توضیح دهید.
پاسخ:
در آنجا ساختمان "حزب توده" که همان ساختمان جعفری است مورد استفاده سیاه قرار گرفته و آنجا شلیک می‌شد به سوی مردم ترکمن و آن سنگر مستحکمترین سنگر سیاه پاسداران بود.

در پایان یکی از رفقا اضافه کرد:
ما اکنون در سراسر میهن در تمام دهات و شهرها حضور داریم و می‌رویم که به حزب پرافتخار طبقه کارگر تبدیل شویم.

* مطبوعات به شکل نادرستی این گفته را نقل کردند که اینها مأموریت زیادی ایجاد کرد. طرح این مسئله حساسی نکته تازه‌ای نبوده است. سازمان مدتهاست که در این راه تلاش می‌کند.

راستی فدائی خلق کرد. "قسمتی از پیام مشترک" اتحاد زحمتکشان بلوچستان و "نبرد بلوچ" به مناسبت نهمین سالگرد شهادت رفیق فدائی غلامرضا گلوی در تاریخ ۱۲ اسفند ۵۸ در دانشگاه بلوچستان میتینگ بزرگداشت رفیق غلامرضا گلوی و سایر هم‌زمان او که در سحرگاه خونین ۱۱ اسفند ۱۳۵۰ به جوخه اعدام سپرده شده بودند، برگزار شد. در ابتدا خلاصه‌ای از زندگی‌نامه رفیق و هم‌زمانش خوانده شد. گروه کر پیشگام دانشگاه بلوچستان سرود "چرخ صنعت به گردش فتد" را در میان شور جمعیت خواند. به دنبال آن قسمت‌هایی از پیام با می‌استار (ستاره صبح) قرائت شد و برادر رفیق شهید غلامرضا گلوی خاطراتی را از رفیق زنده ساخت. آنگاه سخن از مبارزه طبقاتی و ادامه راه رفقای شهید شد و اینکه چگونه فدائیان خلق پرچم خونین را که به دست بنیان‌گذاران این سازمان برافراشته شده، در تمام ایران به خاطر رهایی زحمتکشان که آرمان رفتاری شهید بود، برافراشته نگه می‌دارند. می‌بینیم که چگونه فدائیان برای رهایی خلق در کردستان و ترکمن صحرا با خون خود پیوند با خلق می‌بندند و چگونگی ستارگانی سرخ در آسمان ایران می‌درخشند تا روشنایی نورشان راهگشای راه رهایی انسان از تمام ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌ها گردد. اگر در آن زمان رژیم جنایتکار پهلوی نمی‌گذاشت که ندای برحق فرزند دل‌آور بلوچ به خلقش برسد، اینک هزاران بلوچ می‌دانند که گلوی‌ها چه کسانی بودند، به خاطر چه مبارزه کردند و به خاطر چه کسانی شهادت را پذیرفتند. جمعیت با شعار "گلوی را هت ادامه دارد" براسم را به پایان رساند.



بسیج مسلح توده‌ها ضامن پیروزی خلقهای ما است

پیروزی خلق زیمبابوه

پیروزی همه خلقهای ستمدیده آفریقا و جهان است

اخبار پیروزی جنبه مبین پرستان زیمبابوه در انتخابات این کشور داغ باطلی برپیشانی رژیم نژادپرست اقلیت سفید پوست به رهبری بیان اسمیت و دولت اسقف ایل موزوزوا و حامیان امیرالیست آن وارد آورد. در این انتخابات موگابه رهبر زانو (اتحادیه آفریقائی ملی زیمبابوه) و عضو رهبری مشترک جنبه مبین پرستان ۵۷ کرسی و جوشو انکومور شیرزایو (اتحادیه آفریقائی خلق زیمبابوه) و عضو رهبری مشترک جنبه ۲۰ کرسی از مجموع ۸۰ کرسی سیاه ایوستان را به خود اختصاص دادند و اسقف ایل موزوزوا این مهره سازش و توطئه امیرالیست ها که با بوق و کرناهای رسانه های امیرالیستی در سال های گذشته به عنوان نماینده و رهبر سیاه ایوستان زیمبابوه معرفی شده بود و تحت همین نام برنامه سازش با دولت نژادپرست بیان اسمیت را رهبری کرده بود تنها ۳ کرسی به دست آورد.

بد نیست یادآوری کنیم که جمعیت سیاه ایوستان زیمبابوه در حدود هفت میلیون نفر است که طی سالیان متمادی در زیرستم و استثمار اقلیت ۲۰ هزار نفری سفید پوست این کشور قرار داشته اند. مذاکرات صلحی که با شرکت نمایندگان امیرالیسم انگلیس و حضور نمایندگان جنبه مبین پرستان زیمبابوه (مشکله از زانو زایو) و دولت موقت اسقف ایل موزوزوا از مدتی پیش آغاز گردیده بود. سرانجام با به رسمیت شناختن جنبه مبین پرستان اعلام آتش بس طرفین درگیر در جنگ و انجام انتخابات آزاد پایان گرفت و رهبران جنبه مبین پرستان در میان استقبال توده های میلیونی زحمتکشان زیمبابوه وارد پایتخت شدند. بر طبق توافق طرفین نیروهای چریکی جنبه در پایگاه های خود باقی ماندند و امر انتخابات زیر کنترل نماینده دولت انگلستان انجام گرفت. نیروهای ارتجاعی و نژاد پرست وابسته به دولت موقت در این دوره کوتاه انواع توطئه ها را برای برهم زدن

انتخابات، جلوگیری از شرکت زحمتکشان در انتخابات آتش زدن برخی صندوق های رای و سوء قصد به جان رهبران جنبه انجام دادند. در انتخابات ۸۰ کرسی به سیاه ایوستان تعلق داشت و ۲۰ کرسی هم برای سفید پوستان نژادپرست در نظر گرفته شده است. یعنی سفید پوستان با این که یک سی و ششم جمعیت کشور را تشکیل می دهند یک پنجم کرسی های مجلس را به خود اختصاص داده اند که

نظری بر مبارزات خلق زیمبابوه در سالهای اخیر

زیمبابوه سرزمینی حاصلخیزی است و دارای منابع غنی سنگ کروم می باشد. این کشور از اوایل قرن نوزدهم به تصرف کامل استثمارگران درآمد و چون "رودز" از سرمایه داران بزرگ امپریالیسم بریتانیا در اشغال زیمبابوه بیشترین نقش را داشت از آن زمان این سرزمین "رودزی" خوانده شد. از آن زمان



این نشانه دمکراسی ادعائی امیرالیست ها و سرمایه داران نژادپرست می باشد. اما علیرغم تمام اقدامات نژادپرستان پیروزی قاطع جنبه مبین پرستان در انتخابات که با تأیید قریب به اتفاق توده های این کشور همراه بود بیانگر نفرت عمیق مردم زیمبابوه از نیروهای وابسته به امپریالیسم و نژاد پرست و تأیید کامل آنها از جنبه مبین پرستان که در طی سالیان گذشته رهبری مبارزات خلق زیمبابوه را برعهده داشته می باشد. این پیروزی جنبه مبین پرستان، تبلیغات امیرالیستی در حمایت از اقلیت حاکم را رسوا ساخت و نشان داد که خلق زیمبابوه چگونه از هر عرصه مبارزه برای ضربه زدن و طرد دشمنان خود استفاده می کند و بیانگر اراده مصمم آنها برای نابودی کامل سلطه استثمارگران نژاد پرست و ساختمان جامعه ای نوین است.

استثمار وحشیانه مردم و غارت منابع طبیعی آن همراه با شدیدترین تحقیر و استثمار نژادی نسبت به اکثریت سیاه پوست ادامه داشته است، همراه با اوجگیری مبارزات ضد استعماری مردم زیمبابوه در سال ۱۹۶۵ حکومت نژادپرست بیان اسمیت به دستور امیرالیست ها از انگلستان "اعلام استقلال" کرد. مدتی بعد شورای امنیت سازمان ملل طی قطعنامه ای از اعضای سازمان خواست که این دولت را تحریم کنند. اما امپریالیست ها به ویژه آمریکا و انگلستان که منافع بسیاری از غارت و استثمار خلق زیمبابوه به دست می آوردند، در پوشش های مختلف به حمایت اقتصادی و سیاسی خود از بیان اسمیت ادامه دادند و به ویژه از طریق رژیم هائیتی چون رژیم شاه و آفریقائی جنوبی بیشترین کمک ها را برای تقویت رژیم بیان اسمیت و تقویت ارتش آن انجام می دادند.

خلق زیمبابوه دارای گذشته مبارزاتی طولانی علیه استثمارگران بوده است و پس از شکست تمام کوشش های مسالمت آمیز و قانونی و تجربه کوره راه های رفرمیستی سرانجام در اوایل دهه ۶۰ استراتژی مبارزه مسلحانه توده های را طراحی کرد و به اجرا گذارد. پیروزی خلق های موزامبیک، گینه، بوسنی و آنگولا تأثیرات زیادی در تقویت مبارزه خلق زیمبابوه به وجود آورد.

امیرالیست ها که از این پیروزی خلق ها هراسان شده بودند توطئه های حدیدی را تدارک دیدند و به طرح تاکتیک های نوینی دست زدند. طرح کیسینجر و طرح کنفرانس ژنو با هدف روی کار آوردن حکومت جدیدی متشکل از "رهبران" سازشکار سیاه پوست و در چارچوب مناسبات نو استعماری پی ریزی شدند. تا مبارزات انقلابی را سرکوب و نابود سازند. جنبه مبین پرستان برای افشای و نابودی این توطئه در کنفرانس ژنو شرکت نموده و در عین حال اراده مبارزه مسلحانه دست برداشته است. جنبه موفق شد ماهیت سازشکارانه اسقف ایل موزوزوا و سیتوله و سایر عناصر سازشکار را در زیمبابوه و در جهان افشاء نماید و حمایت کامل نیروهای انقلابی و مترقی را در داخل کشور و سراسر جهان به سوی خود جلب نماید. از این زمان به بعد مبارزه

مسلحانه در زیمبابوه ابعاد توده ای وسیعی به خود گرفت. صف انقلاب و ارتجاع کاملاً مشخص گردید و خلق زیمبابوه پیروزی های درخشانی در مبارزات خود کسب نمود. رژیم نژاد پرست بیان اسمیت که از گسترش مبارزه به وحشت افتاده بود به پیشروی از طرح های جنایتکارانه آمریکا در ویتنام صدها دهکده را که "مشکوک" تشخیص می داد به آتش کشیده و بیش از نیم میلیون نفر از آنها را در زیر سرنیزه های امریکائی و انگلیسی به "دهکده های تحت حمایت" راند. ارتش مزدور بیان اسمیت مکرراً به خاک موزامبیک تجاوز نمود و صدها نفر از ساکنین اردوگاه های پناهندگان را به قتل رسانید.

علیرغم این جنایات جنبه موفق شد بیش از دو سوم خاک کشور را به مناطق آزاد شده و نیمه آزاد شده تبدیل نماید و انقلابیون توانستند حتی به درون دهکده های تحت حمایت نفوذ کنند و به کار سیاسی بپردازند. در ماه مارس ۱۹۷۸ بیان اسمیت و امیرالیست ها به آخرین تلاش های مرگ ورنده دست زدند و همراه با خائسی چون موروروا یک "دولت موقت" به منظور "ایجاد حکومت کثرت" تشکیل دادند. اما علیرغم تبلیغات وسیع امیرالیستی، توده های زیمبابوه مشت زد بر سینه خائسین و سازشکاران کوفتند و مبارزه انقلابی همچنان گسترش یافت.

انتخابات اخیر زیمبابوه نشانه آگاهی توده های مردم و عزم راسخ خلق زیمبابوه در نابودی کامل استثمارگران و امیرالیست ها می باشد. نتیجه این انتخابات پیروزی بزرگی برای خلق زیمبابوه است که طی فراز و نشیب های بسیار و در مبارزه خود بدان دست یافته است و می رود به پیروزی کامل دست یابد. روز پیروزی کامل خلق زیمبابوه بسیار نزدیک است. پیروزی "موگابه" شکستی بزرگ برای امپریالیسم جهانی و سرمایه داری وابسته به آن است. خلق زیمبابوه پس از سالها نبرد خونین با دشمنان داخلی و خارجی خود سرانجام در آستانه پیروزی کامل و نابودی سلطه امپریالیسم قرار دارد. پیروزی های خلق زیمبابوه و جنبه مبین پرستان پیروزی همه خلق های جهان است.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا



★ فدائی شهید رفیق صبا پوین زاده



فدائی شهید رفیق
بهمن آرنک

رفیق صبا در سال ۱۳۲۷ در مراغه به دنیا می آید. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در همان شهر به پایان می رساند و سال ۱۳۴۹ در دانشسرای عالی سپاه دانش "مامازن" مشغول تحصیل می شود. رفیق از سال ۱۳۵۲ بطور کامل به فعالیت سیاسی نظامی می پردازد و مخفی می شود. وی عضو گروه رفیق نادر شایگان بود که پس از شهادت رفیق نادر همراه مرضیه احمدی اسکونی که از دوران طفولیت باهم آشنا بودند به عضویت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران درمی آید و همچون یک انقلابی حرفه ای مبارزه اش را ادامه می دهد.

در خیابان نظام آباد در یکی از فرارهای حماسه آفرین رفیق حمید اشرف ضمن درگیری و کشتن چند تن از



مزدوران رژیم موفق به فرار می گردد. رفیق در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۵۵، در درگیری مسلحانه با عوامل رژیم در خیابان کرمان به شهادت می رسد.

★ فدائی شهید رفیق علیرضا نابدل

جنبش فکری و ادبی خلق آذربایجان و سایر خلق های ایران است. او در فعالیت های ادبی و مبارزاتی در تبریز با صمد بهرنگی و بهروز



رفیق علیرضا نابدل از همزمان صمد و بهروز است. رفیق سال ۲۷ توسط صمد بهرنگی به رفیق امیر پرویز پویان معرفی می شود. ادامه این آشنایی در تابستان همین سال به ایجاد هسته مرکزی شاخه تبریز متشکل از نابدل، بهروز دهقانی و مناف فلکی می انجامد.

اواخر فروردین ۵۰ رفیق نابدل برای پخش نخستین اعلامیه های سازمان چریکهای فدائی خلق ایران از خانه تیمی خارج می شود. او همراه رفیق جواد سلاحی با موتورسیکلت حرکت می کند. در هنگام چسباندن اعلامیه ها به دیوار، یک استوار بازنشسته آنها را می بیند و شروع به فریاد زدن می کند. به علت عدم شناسایی محل از قبل، رفیق با ماموران کلانتری برخورد می کنند و با تیراندازی مامورین رفیق نابدل تیرخورده و بیهوش می شود. رفیق نابدل به بیمارستان شهربانی منتقل می شود و مورد شکنجه وحشیانه مامورین فرار می گیرد. مقاومتی که رفیق از خود نشان می دهد به راستی افسانه وار است و دشمن را نیز به زانو درمی آورد.

رفیق نابدل در بیمارستان چندین بار سعی می کند به زندگی خود خاتمه دهد تا دشمن از اسرار جنبش آگاه نشود.

رفیق نابدل از زندگان دلیر، جنگنده و مقاوم جنبش نوین انقلابی ایران و یکی از چهره های درخشان

دهقانی همکاری می کند و نوشته های باارزشی از او در دست است. تحلیلی که رفیق نابدل از مسئله ملی در مقاله خود تحت عنوان "آذربایجان مسئله ملی" به دست داده است گویای دید پرولتری و بینش مارکسیستی او است.

رفیق نابدل ایمانی خلل ناپذیر به رهایی خلق از بهره کشی ستمگران و اعتقادی راسخ به پیروزی پرولتاریای انقلابی جهان داشت.

رفیق نابدل در ۲۲ اسفند ۵۰ همراه باده تن از دیگر همزمان دلاور خود، تیرباران می شود.



★ فدائی شهید رفیق محمد رضا هدایتی

رفیق محمد رضا هدایتی در سال ۱۳۳۰ در یک خانواده متوسط در شهر بروجرد به دنیا آمد. دوران شش ساله ابتدائی و سال های اولیه را در بروجرد گذراند. دبیرم متوسطه را در تهران گرفت و همان سال در دانشکده علم و صنعت تهران در رشته راه و ساختمان قبول شد. رفیق محمد رضا از همان ابتدای جوانی سخت کوش و بسیار فعال و کوشا بود و فعالانه به مطالعه آثار مارکسیستی پرداخت. رفیق با شور انقلابی و بینش گسترده ای که کسب کرده بود، مبارزه علیه ظلم و استثمار و بی عدالتی راه همواره و طبقه مبرم خود می دانست و بستان عمل می کرد. در پی این سیاستها با کمک چند رفیق دیگرش در سال ۱۳۴۹ دست به انتشار و اشاعه آثار مارکسیستی زد و ادامه این فعالیتها را به شهرستان ها و ویژه تبریز و بروجرد گشایندولی دیری نپایید که ساواک از این ماجرا مطلع شد و در سال ۵۲ رفیق هدایتی به همراه

سه تن از رفقایش در محاصره مزدوران ساواک قرار گرفته و دستگیر شد. و با تمام شکنجه هایی که بر او وارد آمد هیچ اعترافی نکرد و لبه ننگشود. بعد از ۲ سال و نیم گذراندن محکومیتش در زندان که وی همواره از آن به عنوان دانشکده ای برای آموختن بیشتر مبارزه یاد می کرد در سال چهارم دانشکده بود که به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیوست و زندگی مخفی خویش را آغاز کرد. وی پس از فعالیت های زیاد در تهران به عنوان یکی از اعضای مؤثر سازمان به استان خراسان اعزام می شود و در آنجا مبارزات پیگیری را علیه رژیم و مزدوران اش آغاز می کند.

رفیق محمد رضا در سال ۱۳۵۵ در مشهد و در پی شناسایی مزدوران رژیم در یک نبرد نابرابر به همراه سه تن از رفقایش زخمی می شود و به دست جلادان رژیم دستگیر و بلافاصله با تندی مجروح به زیر شکنجه برده



می شود.

رفیق محمد رضا هدایتی در زیر شدیدترین شکنجه های جلادان ساواک حماسه ای از مقاومت و شجاعت آفرید و بی بدون آن که ذره ای از اطلاعاتش را به جلادان ساواک بدهد در زیر شکنجه های وحشیانه با تندی سوخته و لهیده و استخوان هایی خرد شده شهید گشت. یادش گرامی باد



★ فدائی شهید رفیق علینقی آرش

رفیق علینقی آرش سال ۱۳۲۶ در خانواده ای نسبتاً فقیر در شهر ری به دنیا آمد. دوران کودکی را در شرایط سخت سپری کرد. آرش در دوران کودکی مادرش را از دست داد و نشانه های زندگی برایش به ارت گذاشته شد. لذا روحیه رفیق حساس و سرکش بود. بر این زمینه در دوران تحصیل و دبیرستان رهنمودهای آموزگار آگاهش بر او مؤثر می افتد و از او آشنایی مبارز و متعهد می سازد. آشنایی که درک کرده بود علت و علل نواقص و نارسائی های زندگی خلق ایران چیست. او دریافته بود که باید هر چه بیشتر بیاموزد تا بتواند با ریشه های مافیایی مبارزه بر خیزد و از زندگی، عشق به نیکی ها و کینه به زشتی ها را آموخت. از این رهگذر شیوه حل آن را در مبارزه پیکر سیاسی می بیند. به همین جهت هنگامی که در سال ۴۴ وارد دانشکده می شود فعالانه در فعالیت های دانشجویی شرکت می کند تا این که به دنبال این فعالیت ها در جریان اعتصاب شهریه و تظاهرات به خاطر شهادت تختی دستگیر و به زندان می افتد. سپس همراه با سایر دانشجویان او را به اجبار می فرستند در سربازخانه های رژیم مبارزه اش را با شکل دیگری ادامه می دهد و با



رفقای فدائی شاهرخ هدایتی و سیروس سپهری که همچون او به خاطر فعالیت های دانشجویی و مبارزه سیاسی در دانشکده کشاورزی، به اجباری آورده اند، آشنایی می شود و با آنها رابطه سیاسی برقرار می کنند. در بازگشت مجددش به دانشکده فنی مصمانه به ادامه مبارزه سیاسی با رفقای یاد شده می پردازد و از سوی دیگر در فعالیت های صنفی سیاسی و تظاهرات سیاسی (اگرچه در آن مقطع بسیار نادر بود) می پردازد. او در اعتصابات و تظاهرات شرکت واحد نقش فعالی ایفا می کند. اما کم کم رفیق وسایر همزمانش متوجه

می گردند که صرفاً از طریق فعالیت های محفلی و سیاسی نمی توان رسیدن به هدف نهایی که همانا ایجاد ایرانی دمکراتیک و آزاد است حرکت کرد. به همین جهت در سال ۴۹ به اتفاق رفقا سیروس سپهری و شاهرخ هدایتی در صدد تشکیل نظامی و ایجاد هسته های سیاسی-نظامی برمی آیند. تا این که در همین هنگام از طریق رفیق کبیر حمید اشرف با سازمان ارتباط برقرار می کنند و سرسختانه و مصمانه در جهت پیشبرد اهداف سازمان می کوشند. در اواسط سال ۵۰ پس از اینکه به خاطر برپائی جشن های منحوس ۲۵۰۰ ساله سلطنتی سازمان زیر ضربات شدید قرار می گیرد، او که برای ایجاد ارتباطی به دانشگاه آمده است، در جلو در دانشگاه تهران دستگیری می شود. رفیق با کینه ای عظیم نسبت به دشمن و عشقی عمیق به خلق در زندان، در اولین زیر شکنجه های رژیم آنچنان مقاومت می کند که دژخیمان سازمان پلیس امنیت نسبت به او بغض و عداوت شخصی پیدا می کنند و او را که تا این حد نسبت به آنها کینه می ورزید خطرناک می دانند و سپس در سال ۵۰ او را در بیدادگاه های شاه به اعدام محکوم و در صیحه گاهان در میدان تیر چیتگر تیرباران می کنند.

★ فدائی شهید رفیق عباس مفتاحی



رفیق عباس مفتاحی در ساری متولد شد و تحصیلات ابتدائی متوسطه خود را در همان شهر به پایان رساند. در سال های ۴۱ و ۴۲ با رفیق صفائی فراهانی که آموزگار هنرستان ساری بود، آشنا شد و در پائیز ۴۲ وارد دانشکده فنی تهران شد.

رفیق مفتاحی با دانشجویان پلی تکنیک تهران رابطه برقرار کرد و از طریق همین ارتباط به مطالعه انتشارات سازمان دانشجویان و نشریات بخش علنی گروه جزئی پرداخت. در سال ۴۴ رفیق عباس با رفیق کاظم سلاحی که افکار مارکسیستی داشت، آشنا شد و در ادامه این آشنایی توسط یک رفیق مبارز با پویان و احمدزاده رابطه برقرار کرد. ادامه ارتباط به تصمیم در تشکیل یک گروه مخفی انجامید. عباس در بیدادگاه درباره مبارزه گذشته اش تا تشکیل این گروه چنین می گوید:

"من در دوره دوم دبیرستان با مسائل سیاسی آشنا شدم ولی آشنایی من بسیار کم بود. در آن زمان جبهه ملی استقرار حاکمیت قانونی را عنوان کرده بود و می دانیم که این جبهه به چه سرنوشتی دچار شد. البته در سال های بعد با مارکسیسم-لنینیسم آشنا شدم و پس از آن متوجه شدم که چه تضادهایی در جامعه ما وجود دارد و چون آزادی های مختلف در کشور وجود نداشت من به اتفاق پویان و احمدزاده گروهی را به وجود آوردم و تصمیم گرفتیم دست به اسلحه ببریم.

پس از تشکیل سازمان چریکهای فدائی خلق، رفیق مفتاحی که در کادر مرکزی بود در راه اعتسالی مبارزه مسلحانه فعالیت های ارزنده ای کرد. نام عباس پس از حمله به کلانتری قلعه کو رفته بود و به همین دلیل پس از اعدام انقلابی "فرسیو"

خائن و حمله به کلانتری قلعه، نام و عکس او در روزنامه ها منتشر شد. رژیم برای دستگیری او یک میلیون ریال جایزه تعیین کرده بود ولی رفیق به مبارزات خود ادامه داد. سرانجام در یک فرار خود را در محاصره پلیس یافت. با زاری در آوردن چند مزدور به علت گیر کردن گلوله در اسلحه اش از مبارزه بازماند و دستگیر شد. دژخیمان سازمان امنیت ۱۵ روز تمام او را شکنجه دادند، ولی رفیق عباس سخن نگفت:

شهامت و جسارت او در مقابله با مزدوران رژیم در طول بازجویی زیانزد بوده است. او در دادگاه همچون یک فدائی از تمام عملیات سازمان در نبرد مسلحانه پیشگامان خلق به دفاع شورانگیزی پرداخت او در دادگاه گفت:

"گروه ما تبلیغ مسلحانه می کند. ما می خواهیم مردم را از واقعیتی که در مملکت می گذرد آگاه کنیم و برای این تبلیغ اسلحه هم داشتیم. پس از تشکیل و تشکیل یک سازمان نام چریکهای فدائی خلق را برگزیدیم. رفیق در بیدادگاه ضد خلقی رژیم به تیرباران محکوم شد و در روز ۱۱ اسفند ۵۰ به دست مزدوران جنایتکار رژیم تیرباران و شهید شد.

گرامی باد خاطره همه شهیدای خلق

گرامی باد خاطره فدائیان شهید ★★★★★

بهمن آرنگ ، صبا بیژن زاده ، محمد رضا هدایتی

علیرضا نابدل ، علینقی آرش ، عباس مفتاحی

همین سالهاست که با آشنائی و دوستی با رفیق حمید اشرف به مبارزات صنفی-سیاسی می پردازد. سال ۱۳۴۲ پس از موفقیت در کنکور به دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران راه

دوستدار مسائل اجتماعی و سیاسی است. رفیق برای ادامه تحصیلات راهی تهران میشود و در دبیرستان دارالفنون به ادامه تحصیل می پردازد. در

رفیق بهمن در سال ۱۳۲۵ در خانواده ای از طبقه متوسط دربندرانزلی به دنیا آمد. بهمن سال سوم متوسطه با افکار مارکسیستی آشنائی شد. دانش آموزی جدی، فعال و

مقاومت و سمبل شجاعت است. آرنگ در تابستان ۱۳۵۰ هنگام فرار با یکی از همزمان در خیابان تخت جمشید تهران دستگیر و در بیدادگاه ضد خلقی رژیم منفور و وابسته به امپریالیسم به حبس آمد محکوم می شد. اما دستگاه سفاک در سپیده دم در یکی از روزهای بهمن ۱۳۵۰ او و پنج تن از فرزندان راستین خلق ایران را تیرباران می کند. در صفحه ۱۵

می یابد. بر اثر درگیری با مقامات دانشکده به علت فعالیت های سیاسی علیه رژیم منفور محبوب به ترک دانشگاه می شود و راهی مشهد می گردد و در دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد در رشته ادبیات انگلیسی به تحصیل می پردازد. رفیق بهمن سال ۱۳۴۷ عملاً وارد گروه سیاسی-نظامی احمدزاده، مفتاحی و پویان می شود. آرنگ در گروه تئوریسین بنام و مظهر

روز جهانی زن را گرامی بداریم

* وظیفه ارتقاء آگاهی زنان کارگر و زحمتکش شهر و روستا و سازماندهی مبارزات آنان بر عهده تمام نیروهای مبارز و انقلابی بخصوص زنان آگاه میهنمان است.

کنند. جای خوشوقتی بود که بهرودی زنان آگاه و مبارز میهنمان موجه نمود زنان لبرال و حتی عناصر مشکوک و سازاکی در صفوف خود شدند و خطر ضد انقلاب را خنثی ساختند.

امسال زنان ترفیخواه و انقلابی جامعه ما برای دومین بار بعد از انقلاب، "روز جهانی زن" را جشن گرفتند ولی همچنان این روز بر شکوه برای زنان زحمتکش نشانناشناخته است.

معرفی جنبش زنان روزی و مسئولیت ارتقاء آگاهی زنان کارگر و زحمتکش شهر و روستا و مشکل ساختن آنان به عهده تمام نیروهای مبارز و انقلابی بخصوص زنان آگاه میهنمان است. در طول یکسانی که مبارز می گذرد، زنان ترفیخواه و انقلابی ایران گام های استواری در این راه برداشتند. لیکن ساکنه پیدا است که هنوز کوشش های فراوانی را باید به کار بندیم.

سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران، "روز جهانی زن" را به همه زنان کارگر و زحمتکش و ترفیخواه و انقلابی ایران شادباش می گوید و کوشش دارد که نقش فعال تری در شکل و سازماندهی مبارزات زنان زحمتکش و انقلابی ایران بر عهده گیرد. ما همه زنان مبارز و آگاه میهن را به تحقق این امر مهم فرا می خوانیم.

به باخیزند. و در راه رهایی زن از قید و بند های اسارت قرون و اعصار، در نبرد با نظام سرمایه داری عصر ما، یعنی با امپریالیسم لحظه ای از پای ننشینند.

روز ۱۸ اسفند سال گذشته، روز جهانی زن با سکوت "دولت موقت" جمهوری اسلامی و به غلظت ست حواهی بخش اعظم روحانیت، با ساختن ماد، هر چند برای اوایل باز، زنان مبارز، انقلابی و ترفیخواه به منظور بزرگداشت این روز آزادانه مراسمی برپا داشتند، با این همه آن چنانکه در خور این روز بود، مراسمی برگزار نشد.

"صدا و سیما" جمهوری اسلامی "از بخش مراسمی که به بزرگداشت این روز اختصاص یافته بود، خودداری کرد و آنرا یک پدیده غربی خواند.

قابل تاکید است که ۱۷ اسفند سال گذشته به دنبال اظهارات "آیت الله خمینی" مبنی بر اینکه زنان باید با "حجاب شرعی" به وزارتخانه ها بروند، زنان وابسته به طبقه سرمایه دار ایران فرصت یافتند تا نظاهرات سیاسی و اعتراض زنان ترفیخواه و انقلابی ایران را به انحراف کشانند و مضمون انقلابی و ترفیخواهانه حسن های "روز بین المللی زنان" را مخدوش

۱۸ اسفند مصادف است با روزی که در سال ۱۹۰۷ زنان کارگر و زحمتکش امریکا برای کسب حقوق سیاسی خود دست به نظاهرات سراسری زدند. برای اولین بار "کلارا زنکین" یکی از زنان کمونیست مشهور آلمان، در کنفرانس بین المللی زنان در ۱۹۱۰ پیشنهاد کرد که این روز به عنوان روز بین المللی زنان کارگر شناخته و جشن گرفته شود. برای اولین بار مراسم روز جهانی زنان کارگر در سال ۱۹۱۱ در آلمان برگزار شد. زنان کارگر روس، با دعوت و معرفی جنبش روزی توسط بلشویک ها، اولین بار در ۸ مارس ۱۹۱۳، این روز را گرامی داشتند و با برگزاری میتینگ ها و نمایش ها و نظاهرات سیاسی در این روز علیه نابرابری ها و تبعیض هایی که بر زنان اعمال می شود، دست به اعتراض زدند.

اکنون هر سال زنان کارگر و زحمتکش و ترفیخواه و انقلابی سراسر جهان این روز را جشن می گیرند و وحدت و یکپارچگی زنان کارگر و ترفیخواه و انقلابی سراسر جهان را به نمایش می گذارند و بمان می بندند که برای نابودی نابرابری ها و تبعیض هایی که در جامعه سرمایه داری بر زنان روا می دارند به مبارزات بی امان

فدائی شهید رفیق غلامرضا گلوی

نمونه وفاداری به زحمتکشان سیستانی و بلوچی بود

به خانواده اش تیریک می گوئیم. به راستی که دستهای تپتی و سینه خشکیده و چشمان بی فروغ زنان زحمتکش این سامان و پوست به استخوان نشسته کودکان محرومش و چشم انداز عشک و اندوهیار روستاهای متروک و کشتزاران فقیر سیستان و در مجموع روح و ستم جانگناه طبقاتی که سالیان دراز، گریبانگیر زحمتکشان سیستانی و بلوچ بوده است، تلوری در مبارزه شهادت رفیق گلوی یافته است تلوری که نمودش در کشته طبقاتی شدیدا و نسبت به غارتگران حاکم متحلی می گردید. نعرتی که او را به



بهمن سالگرد شهادت رفیق گلوی را به همه زحمتکشان سیستانی و همه رهروان راه آزادی و استقلال

پیام همبستگی
جبهه پولیساریو - بخش اروپا
به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

دوستان عزیز! جبهه پولیساریو، که چندین سال با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران روابط نزدیکی داشته است، از ۹ سال مبارزه برارزش فدائیان، از آغاز مبارزه مسلحانه تا کنون علیه رژیم دیکتاتوری، امپریالیستی وابسته شاه که در جهت دفاع از منافع توده های ایرانی بوده است، تقدیر کرده و به آنها درود می فرستد.

جبهه پولیساریو، بمانست اولین ساگرد پیروزی خلق به شما تیریک می گوید و از تداوم مبارزه مردم ایران برای بحسرت و استقلال، کاملاً حمایت می نماید.

جبهه پولیساریو - بخش اروپا
۷ فوریه ۱۹۸۰

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر